

آزادی، اخلاق و امنیت اطلاعات در فضای سایبر

خلجی: با پیشرفت فناوری در حوزه ارتباطات، شرایطی به وجود آمده است که امکان جمع آوری، پردازش و ارسال اطلاعات را به ساده‌ترین شکل و در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم کرده است. این فضای اطلاعاتی و ارتباطی جدید و دگرگونی‌های ناشی از آن به حدی مؤثر بوده است که مهم‌ترین اجلاس سران در سال‌های آغازین قرن ۲۱ به آن اختصاص داده شد که در آن به بررسی ابعاد گوناگون فضای اطلاعاتی و ارتباطی جهان و آینده آن پرداختند.

از موضوعات مهم مطرح شده در این اجلاس می‌توان به زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ترمیم شکاف دیجیتال و توانمندسازی منابع انسانی اشاره کرد. همچنین موضوعاتی مانند آزادی اطلاعات، امکان دسترسی عادلانه و همگانی به جامعه اطلاعاتی حمایت از مصرف‌کننده از طریق محرمانه تلقی شدن اطلاعات وی و اصول اخلاقی جامعه اطلاعاتی از محورهای دیگر بحث‌هایی بود که در اجلاس سران جامعه اطلاعاتی مورد توجه قرار گرفت که موضوع بحث امروز ما است.

در مباحث حقوقی جامعه اطلاعاتی، اطلاعات به عنوان اموال مشترک همگانی فرض می‌شود که برای آن محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است. با توجه به محورهای اشاره شده در این نشست تلاش می‌شود به واکاوی این مسائل در ایران پرداخته شود.

معمد نژاد: موضوع ارتباطات دارای سابقه تاریخی است که به مرور زمان کامل شده است. شاید بتوان گفت یک کهکشان است که خود چند کهکشان را تشکیل داده است. در ابتدا در قالب ارتباطات شفاهی سپس ارتباطات مکتوب، ارتباطات چاپی، ارتباطات تلویزیونی و امروز ارتباطات اینترنتی.

شرکت‌کنندگان:

۱. دکتر کاظم معتمدنژاد: عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۲. حجة الاسلام دکتر حسام‌الدین آشنا: دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)
۳. دکتر مهدی محسنیان‌راد: عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)
۴. دکتر حسن نمک‌دوست: مدرس دانشگاه علامه طباطبایی
۵. مهندس مجتبی جعفری: دبیر شورای عالی امنیت فضای تبادل اطلاعات کشور دفتر ریاست جمهوری
۶. دکتر حمید شهریاری: دکتری فلسفه تطبیقی، عضو هیأت علمی سازمان سمت
۷. دکتر محسن جوادی: دکتری فلسفه اخلاق و عضو هیأت علمی دانشگاه قم
۸. خانم سهیلا خلجی: دانشجوی دکتری علوم ارتباطات (دبیر میزگرد)

سرفصل‌های این میزگرد عبارت است از:

۱. حق اطلاع و امنیت اطلاعات
۲. آزادی اطلاعات و اخلاق
۳. بزرگراه‌های اطلاعاتی و گردش آزادانه اطلاعات



خلجی:

در مباحث حقوقی جامعه اطلاعاتی، اطلاعات به عنوان اموال مشترک همگانی فرض می‌شود که برای آن محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است.

مسائل ارتباطات از زمان اختراع چاپ به بعد یکی بوده است، ولی دامنه آن تفاوت پیدا کرده است. مسایل اصلی همان‌هایی بوده است که از دوره بعد از اختراع چاپ به وجود آمده است. مسأله آزادی بیان، محدودیت‌های آن، توسعه آزادی مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون، سینما و امروز اینترنت و امکانات جدید ارتباطی مسایلی هستند که در همه دوره‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. از این رو اندیشمندان در همه جوامع همواره خواستار آن بوده‌اند که آزادی بیان تأمین شود. محدودیت‌های آزادی بیان، آزادی اطلاعات و آزادی ارتباطات به موجب قانون مشخص شود. (محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات به موجب قانون باشد). جز در موارد مشخصی که در قانون به آن اشاره شده که برای حفظ حریم فردی و زندگی اجتماعی ضروری است، در سایر موارد در صورتی که قانون‌گذار مشخص کند باید آزادی را محدود کرد در کنار این قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری‌ها باید به اخلاق هم توجه شود. قانون‌گذاران معمولاً اصول و قواعدی را برای وضع اخلاق در جامعه تصویب می‌کنند. اما اخلاق از موضوعاتی است که ضمانت اجرا ندارد و برای تضمین اجرای آن از قواعد حقوقی استفاده می‌شود.

قواعد حقوقی هم به طور کامل تأمین‌کننده اخلاق نیست، بنابراین شکل‌گیری رویکرد اخلاقی در فضای اطلاعاتی و ارتباطی به صورت خودتنظیمی ضروری است. در سه قرن اخیر قوانین و مقرراتی برای محدود کردن آزادی وضع شده است که این قوانین همراه با تغییرات فناوری‌های ارتباطی تحول پیدا کرده‌اند.

برای نخستین بار قوانینی که برای محدود کردن مطبوعات اعمال می‌شد در انگلستان از بین رفت. در سال ۱۶۹۴ یعنی پنج سال بعد از انقلاب مشروطه انگلستان، مجلس عوام این کشور حاضر نشد قانون محدود کردن مطبوعات را که آنها را به مجوز کسب انتشار روزنامه و مسأله سانسور پیش از انتشار ملزم می‌کرد، تمدید کند. به همین دلیل آغاز تقویم آزادی مطبوعات را از سال ۱۶۹۴ در نظر می‌گیرند. پس از آن مقامات دولتی انگلستان در عمل محدودیت‌های دیگری را برای آزادی مطبوعات اعمال کردند. محدودیت‌هایی مثل



معمد نژاد:

مرزها در واقع از میان
رفته است، در برابر
اینترنت مرزی وجود
ندارد که قوانین حقوقی
رعایت شود

مالیات بر انتشار مطبوعات، مالیات بر آگهی‌ها، ممنوع کردن پخش مذاکرات مجلس عوام. متأسفانه محدودیت‌های مطبوعاتی ایجاد شده، از سوی دادگاه‌ها مورد رسیدگی قرار نمی‌گرفت، تا اینکه در قرن هیجدهم به تدریج همه محدودیت‌ها از بین رفت و در نیمه دوم قرن نوزدهم مالیات بر مطبوعات حذف شد. در طول این مدت از قرن هیجدهم تا قرن نوزدهم بر اثر انقلاب کبیر فرانسه و جنگ استقلال آمریکا مقررات حقوقی تازه‌ای به وجود آمد. به موجب ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹ آزادی انتقال افکار و عقاید، گرانباترین حقوق انسانی شناخته شد و بر این مبنا این حق برای شهروندان به وجود آمد که آزادانه سخن بگویند، بنویسند و چاپ کنند مگر در مواردی که قانون منع کرده باشد. دو سال بعد در سال ۱۷۹۱ وقتی اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا به تصویب رسید بر آزادی کلام که محدودتر از آزادی بیان است و هم‌چنین آزادی مطبوعات تأکید شد و کنگره آمریکا موظف شد که هیچ‌گاه قوانینی بر علیه آزادی کلام، آزادی عقیده و آزادی مذهب به تصویب نرساند.

بدین ترتیب در این دو سال (از ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۱) دو مکتب آمریکایی و فرانسوی در برابر هم قرار گرفتند. مکتب فرانسوی معتقد به محدودیت آزادی در مواردی با پیش‌بینی قانون بود و مکتب آمریکایی که معتقد بود در صورت وضع محدودیت، آزادی بیان از بین می‌رود و هنوز تا زمان حال این اختلاف باقی است. مکتب فرانسوی کماکان معتقد است که محدودیت را باید در نظر گرفت و رعایت کرد و مکتب آمریکایی معتقد است که فراتر از مرزها باید همه چیز آزاد باشد.

با استناد به نخستین اصلاحیه قانون اساسی بعد از جنگ جهانی دوم در سازمان ملل این ماده به تصویب رسید که مطبوعات و اطلاع‌رسانی باید آزاد باشد و فراتر از مرزهای ملی، ارتباطات در سطح بین‌الملل باید آزاد باشد.

اینجاست که ما امروز در مواجهه با پدیده ارتباطی همچون اینترنت و افزایش سرعت ارتباط با بی‌انتهایی، حوزه نفوذ پیام‌های ارتباطی مواجه شده‌ایم.

مرزها در واقع از میان رفته است، در برابر اینترنت مرزی وجود ندارد که قوانین حقوقی رعایت شود. همان‌طور که خانم خلجی گفتند در فضای ارتباطی امروز فاصله‌ها از میان رفته است، مرزها وجود ندارد، گستره پیام‌های ارتباطی بسیار وسیع و بی‌انتهاست. ضمناً مشخص شده دولت‌ها همچون فضای جغرافیایی داخل کشورشان که جرایم مطبوعاتی و ارتباطی را دنبال می‌کنند در فضای جهانی نمی‌توانند جرایم اینترنتی را تعقیب کنند. به همین جهت است که کشورهای پیشرفته دنیا در تلاش هستند برای تحت کنترل درآوردن امکانات ارتباطی اینترنتی از دور اقدام کنند. نخست از راه مقررات‌گذاری در حوزه ارتباطات بین‌المللی و دیگری از راه اجرای اصول اخلاقی مختلفی که برای روزنامه‌نگاری از همان قرن هفدهم رایج بود و تا امروز ادامه یافته است. با استفاده از این اصول اخلاقی که در روزنامه‌نگاری وجود داشته برای فعالیت‌های ارتباطی اینترنتی همان مبانی اخلاقی ارتباطی گذشته در نظر گرفته شده است. در این راستا هر کشوری دارد با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی خود این رویه اخلاقی را رعایت کند. سازمان‌های بین‌المللی هم در این میان نقش خاصی ایفا کرده‌اند.

یونسکو در سال‌های اخیر کوشش کرده برای کاربرد اینترنت مقررات بین‌المللی وضع کند. بدین منظور از هشت سال پیش دست به تدوین مقرراتی زده است که جنبه توصیه‌ای دارد و هنوز ضمانت اجرا پیدا نکرده است.

هدف این سازمان تدوین متونی در جهت پیشبرد استفاده از اینترنت در جهت تنوع فرهنگی، چند



محسنیان راد:

برداشت من این است که
شانس ما در ایران این بود
که دو اتفاق یکی داخلی و
یکی جهانی همزمان به
وقوع پیوست. سال ۱۹۷۹
که انقلاب اسلامی رخ داد
سالی بود که اولین
رایانه‌های خانگی وارد
بازار شد

ترکیب این دو مقوله ۲۵
سال است که پدیده‌ای را
به وجود آورده است که باید
بیشتر به آن توجه شود

زبان‌گرایی و تأمین حق دسترسی همگان به اطلاعات است. در همین شرایط اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی تشکیل شد و بین دو نهاد تخصصی سازمان ملل یعنی اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور ITU و یونسکو که بعد از جنگ جهانی دوم تا به حال در این زمینه‌ها کار می‌کرده‌اند در زمینه مقررات‌گذاری و تنظیم شرایط کاربرد امکانات جدید ارتباطی رقابت ایجاد شده است. در این فضا اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور از جامعه اطلاعاتی صحبت می‌کند و یونسکو از جامعه معرفتی صحبت به میان می‌آورد. در این شرایط مسایل دیگری مطرح است از جمله کشورهای جهان سوم که از ۳۰ سال پیش در تلاش برای ایجاد یک نظم نوین ارتباطی و اطلاعاتی هستند. در این میان کشورهای مختلف دنیا به دنبال راه‌های مختلفی هستند. در پانزده سال اخیر این کشورهای دنیا سعی کرده‌اند که از دو مسیر عبور کنند.

یکی مسیری است که بعد از فروپاشی دیوار برلن پی‌گیری می‌شود [یعنی] مسیر آزادی اطلاعات بر اساس مکتب آمریکایی است که به هواداری از جریان آزاد اطلاعات می‌پردازد. مسیر دیگر، مسیر کشورهای استقلال طلب جهان و کشورهای جهان سوم است که شامل توجه به برابری ارتباطات، ایجاد تعادل اطلاعات در سطح بین‌المللی و در نهایت ایجاد نظم نوین بین‌المللی ارتباطات و اطلاعات در سطح بین‌المللی است. اینکه ما در کجای این روند هستیم نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد.

خلجی: آقای دکتر طبق معمول چشم‌انداز کاملی را با اشاره به سوابق تاریخی بحث مطرح کردند که تا حد زیادی می‌تواند کمک‌کننده خط مشی جدید ارتباطی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

محسنیان راد: یکی از ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی این است که این اتفاق در عصری رخ می‌دهد که تعداد فارغ‌التحصیلان ارتباطات در دوره جدید بیش از دو دهه پیش است و قطعاً این نسل جدید متخصصان ارتباطات بیش از نسل گذشته تحولات جهان ارتباطات را دنبال می‌کنند. آقای دکتر معتمدنژاد نگاهی جهانی به تحولات ارتباطات داشتند. من قصد دارم نگاه داخلی به تحولات ارتباطات داشته باشم. برداشت من این است که شانس ما در ایران این بود که دو اتفاق یکی داخلی و یکی جهانی همزمان به وقوع پیوست. سال ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی رخ داد سالی بود که اولین رایانه‌های خانگی وارد بازار شد.

در واقع دسترسی افراد به رایانه مقدمه‌ای بود که زمینه شکل‌گیری اینترنت را پدید آورد. از طرف دیگر در ایران انقلابی رخ داد که ویژگی خاص خود را دارد. ترکیب این دو مقوله ۲۵ سال است که پدیده‌ای را به وجود آورده است که باید بیشتر به آن توجه شود. این پدیده دائم دارد سعی می‌کند خط خاصی را طی کند، سعی می‌کند مراقبت کند آسیبی به این خط سیر وارد نشود. در مجموع یک نوع سرگردانی و یک نوع حرکت زیگزاگی را در اثر ملغمه این دو اتفاق با هم می‌بینیم.

اگر ما از بیرون به ایران نگاه کنیم، ایران دارای چند ویژگی خاص است، نخست ویژگی در اقلیت بودن ماست، زبان ما زبان اقلیتی است، ما جزیره زبان هستیم. در جمع‌بندی کلی عددی که نسبت زبان ما را به سایر زبان‌های جهانی دنیا نشان می‌دهد، رقم بسیار ناچیزی است. دومین مسأله مذهب ماست. شیعه در کل مذاهب اسلامی و در کل ادیان جهانی در اقلیت است. ما با زبان فارسی خود مذهب شیعه را پیش می‌رانیم. این ترکیب سبب شده از یک طرف یکسری هنجارهای ارتباطی کهن، نهادینه شده، در یک پدیده بسیار مدرن دخالت کند. دکتر معتمدنژاد عنوان کردند قواعد حقوقی حوزه ارتباطات جدا از اخلاق نیست.

به عبارت دیگر، قوانین هنجارهای رسمی هستند، هنجارهای مدون مکتوب هستند در حالی که هنجارهای غیر مکتوب و غیر مدون بسیاری وجود دارد. این هنجارها علایم ناشناخته هستند و روی آنها کار نشده است. این هنجارها در شرایط جهانی شدن وجود دارد، اعمال می‌شود و با تحولات جدید در تضاد قرار

محسنیان را: در برخورد با عناوینی مانند حق اطلاع، آن نگاهی که در کشورهای لیبرال در مورد حق اطلاع مطرح است با نگاه ما متفاوت است. امنیت اطلاعاتی که آنها مطرح می‌کنند با امنیت اطلاعاتی که ما مطرح می‌کنیم متفاوت است. ما قضیه را از یک طرف و آنها از طرف دیگر نگاه می‌کنند

می‌گیرد. شاید بتوان اضافه کرد که تحقیقات ما در هشت، نه سال اخیر نشان می‌دهد ما پدیده دو نگاهی را هم داریم. یکی از این سنت‌ها در داخل حوزه‌های علمیه است بسیاری از مسایل حتی شک در مبانی اعتقادی به دموکرات‌ترین شکل در پشت درهای بسته حوزه انجام می‌شود. همان کسانی که در این بحث‌ها از پنجاه سال، صدسال، و یا پانصدسال پیش شرکت دارند به شدت معتقدند که اینها مسایلی هستند که نباید بر منبر برود. اینها مسایلی است که نباید در میان مردم مطرح گردد. مردم محرم نیستند، زیرا مردم تحمل درک و فهم این مباحث را ندارند. کافی است که این دو حوزه را جا به جاکنیم، جای منبر را بدهید، به مطبوعات و یا سینما آن طرف هم حوزه مذهب را وسیع تر کنید. این شرایط ترکیبی را به وجود می‌آورد که با شرایط جامعه اطلاعاتی همخوانی ندارد.

اصل نگرانی درست است، اما شیوه مقابله با نگرانی برمی‌گردد به مجموعه‌هایی که پیش از این در مورد آن صحبت کردیم. اینجاست که در برخورد با عناوینی مانند حق اطلاع، آن نگاهی که در کشورهای لیبرال در مورد حق اطلاع مطرح است با نگاه ما متفاوت است. امنیت اطلاعاتی که آنها مطرح می‌کنند با امنیت اطلاعاتی که ما مطرح می‌کنیم متفاوت است. ما قضیه را از یک طرف و آنها از طرف دیگر نگاه می‌کنند. به عبارت دیگر شاید در هیچ دوره‌ای از طول تاریخ تحولات ارتباطات، تا بدین حد نیاز نبوده تا ما به مسایل ارتباطات نگاهی علمی و آکادمیک بومی داشته باشیم. آخرین نکته در بحث اصول اخلاقی این است که هنجارها و اصولاً اخلاق، ماهیت نسبی دارد. کلیه کتاب‌های جامعه‌شناسی هنگامی که بحث هنجارها را مطرح می‌کنند، فوری عنوان می‌کنند که اتصال سنگینی با ارزش‌ها دارند و متقابلاً اعلام می‌کنند که این بحث نسبی بوده و از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر ارزش‌ها و هنجارها متفاوت است. هنگامی که ما از اصول اخلاقی صحبت می‌کنیم، می‌خواهیم کوشش کنیم این نسبت را تا مقداری مهار کنیم می‌خواهیم کوشش کنیم از تأویل‌های مختلف جلوگیری کنیم. یعنی به نحوی این مباحث اخلاقی را مطرح کنیم که مجال برای تأویل‌های پراکنده نباشد به طوری که همه رعایت نکنند.

در جامعه‌ای که به شدت مبتنی بر واژه‌ای به نام مصلحت است، مثلاً مصوبات مجلس به یک شورای به نام مصلحت نظام می‌رود تا بررسی شود آن مصوبه مصلحت دارد یا نه! (شورای نگهبان دو پنجره دارد که از آن دو پنجره به مسایل نگاه می‌کند، قانون اساسی و فقه شیعه، ولی این طرف مصلحت! است) وقتی ما به مصلحت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این واژه‌ای به شدت تعبیری است. امروز مصلحت این است که سایت‌ها را ببندیم فردا مصلحت در این است که... ما در به کارگیری مصلحت هم هیچ مشکلی نداریم، تا جایی که بگوییم آن زمان مصلحت بوده و امروز مصلحت نیست.

سؤال من از رئیس جدید یک سازمان ملی که سال‌ها معاون این سازمان بوده، این است: چرا ایشان چند روز بعد از انتصاب خود به یکباره در یک برنامه طنز تغییر اساسی دادند. اگر ایشان به این تغییر به معنای حذف تبلیغات یک کالای خارجی از این برنامه طنز اعتقاد داشتند تا پیش از این که در سمت معاون سازمان بودند چرا سکوت کردند، چرا بردباری نشان دادند؟ اگر مصلحت جامعه در این بود که این تبلیغ نشان داده نشود، چرا ایشان در تمام این مدت به مدیر عامل وقت خود تذکر ندادند که این کار درست نیست. در حالت دیگر، اگر این کار درست نبوده است و حالا ایشان دارد این کار را اصلاح می‌کند. باید برگردیم به گذشته و پرسیم چرا این اتفاق در گذشته رخ داده است. برای این کار باید توضیح داده شود، کدام اصول اخلاقی را برای ارتباطات می‌توان تدوین کرد، در شرایط جهانی شدن که این همه تأویل و مصلحت در آن قرار است اعمال شود.



جوادی:

در حوزه اخلاق IT یکی از
فعالیت‌های اصلی ایجاد
یک نوع موازنه بین دو
مقوله آزادی اطلاعات و
امنیت اطلاعات است

جوادی: من از یک زاویه اخلاقی و در واقع فلسفه اخلاقی به موضوع نگاه می‌کنم و کمتر به بعدهای فنی و ارتباطی آن می‌پردازم، به نظر من آزادی، اخلاق و امنیت اطلاعات سه عنوانی هستند که به نوعی به هم مرتبط هستند. آزادسازی اطلاعات، از دو جهت در اخلاق IT تأثیر می‌گذارد، یکی از جهت محدودیت‌هایی که از ذات آزادی اطلاعات پیش می‌آید. دیگری از زاویه تقابل با حریم خصوصی و در واقع تعارض با حریم خصوصی به وجود می‌آید. یکی از حریم‌های خصوصی محدود کردن اطلاعات در زمینه‌های خاص است. این موضوعات دو بعد این مسأله هستند. فلسفه اخلاق در IT به حدی گسترش پیدا کرده است که حتی این بحث مطرح می‌شود که آیا آزادی اطلاعات دارای ارزش ذاتی است؟ عده‌ای بحث کرده‌اند که خود دانستن دارای ارزش ذاتی نیست. نفس آزادی اطلاعات یا فرآیند آزادسازی اطلاعات به شکل کمی دارای بار ارزشی مثبت نیست. بحث این است که چه نوع استفاده‌ای از آزادسازی اطلاعات می‌کنیم. اطلاعات زیادی هستند که آزادسازی آنها از لحاظ اخلاقی، مخل اخلاق است و آزادسازی آنها تأثیر مثبتی در اخلاق ندارد. این بحث در حوزه خیریت ذاتی و ارزش ذاتی اطلاعات است. ولی یک بحث مهم که بیشتر جنبه‌های حقوقی و قانونی پیدا می‌کند از بعد تقابلی است که اطلاعات با حریم خصوصی پیدا می‌کند. اطلاعات ابزار مهم کنترل هستند هر انسانی یک زندگی اجتماعی دارد. به تعبیر علامه طباطبایی دوست دارد دیگران را به استخدام خود درآورد. این استخدام مهم‌ترین ابزار آزاد بودن اطلاعات است. اما این انسان به عنوان یک فرد یک میل فردی هم دارد و آن این است که یک حریم خصوصی دارد که دوست ندارد کسی به اطلاعات شخصی وی دسترسی پیدا کند. تا دیگران بر اراده و تصمیم‌گیری او کنترل داشته باشند.

بدین ترتیب انسان میل دوگانه‌ای دارد. آن تمایل که برای حوزه فردی و جمعی فرد وجود دارد در حوزه اطلاعات هم وجود دارد از یک جهت دوست دارد اطلاعات دیگران برای دیگران حریم خصوصی نباشد، هر اطلاعی که می‌خواهد در دسترسش باشد تا بتواند از طریق آن بر دیگران کنترل داشته باشد. تا بتواند دیگران را در خدمت خود داشته باشد از طرف دیگر دوست ندارد اطلاعات خودش یا مسایلی که می‌تواند اهرم کنترلی در دست دیگران باشد، در اختیار دیگران قرار گیرد. اخلاق IT به نظر من یکی از مهم‌ترین وظایفش این است که کنترل و موازنه‌ای بین دو میل انسان داشته باشد. از یک طرف میل به آزادی اطلاعات و از طرف دیگر میل به داشتن حریم خصوصی. این موازنه باید به نوعی ایجاد گردد. آقای دکتر محسنیان‌راد هم از یک نوع موازنه حقوقی صحبت کردند. ولی موازنه‌هایی که نظام‌های حقوقی می‌توانند ایجاد کنند آن آرمان نیست که بتواند جنبه‌های اخلاقی را تأمین کند.

اخلاق صرفاً با جنبه‌های حقوقی تأمین نمی‌شود. حقوق فقط ضمانت اجرایی برای برخی مسایل دارد. طبیعتاً در حوزه فعالیت‌های فن‌آوری اطلاعات این مسایل وجود دارد. ما باید یک نظام حقوقی با بهره‌گیری از نظام‌های حقوقی موجود تدوین کنیم. اما نمی‌توانیم فارغ از نظام اخلاقی باشیم. این نظام اخلاقی نمی‌تواند با نظام اخلاقی بین‌المللی یا نظام‌های حقوقی که با آنها اشتراک داریم همسان باشد باید تأکید آن بیشتر بر جنبه‌های فرهنگ بومی اخلاق در سطح ملی یا منطقه‌ای با تأکید بر مسایل مذهبی باشد.

به هر حال در حوزه اخلاق IT یکی از فعالیت‌های اصلی ایجاد یک نوع موازنه بین دو مقوله آزادسازی اطلاعات و امنیت اطلاعات است. نوشته‌ها و آثاری هستند که مبنایش این است که آزادسازی اطلاعات نباید آن ارزش مطلق را پیدا کند که فردیت انسان و حریم خصوصی انسان و در نهایت کنترل انسان را بر خود از بین ببرد. دو حد برای اطلاعات می‌توان در نظر گرفت، یکی حد قانونی است که در حقوق بدان توجه می‌شود و یکی مباحث اخلاقی است که اصولاً خارج از چارچوب حقوقی می‌باشد.



جعفری:

درواقع امنیت اطلاعات به عنوان ابزاری برای تأمین آزادی اطلاعات محسوب می‌شود

خلجی: با توجه به اینکه تا به حال دو بعد آزادی اطلاعات و اخلاق اطلاعات مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت از آقای مهندس جعفری تقاضا داریم در مورد بعد امنیت اطلاعات در فضای سایبر تحلیلی داشته باشند تا بتوانیم به جمع بندی کلی تری در این سه حوزه برسیم.

جعفری: بحث امنیت اطلاعات یا امنیت ارتباطات و حریم خصوصی دارای وجه‌های مختلفی هستند. نکته‌ای که در بحث امنیت اطلاعات مهم است این که اگر ما تعریف دقیقی از امنیت اطلاعات یا امنیت ارتباطات داشته باشیم کمک بزرگی برای تحلیل این حوزه است. در حوزه امنیت اطلاعات دو هدف عمده قایل هستند یکی بحث محرمانه بودن اطلاعات و دیگری بحث صحت اطلاعات. در این زمینه نگاه فنی می‌تواند به نگاه ارتباطی یاری برساند. در واقع تولیدکننده اطلاعات است که حدود آزادی و اطلاعات را مشخص می‌کند. تولیدکننده نوع اطلاعات است که سطح محرمانه بودن اطلاعات را تعیین می‌کند. او است که اجازه می‌دهد که کلیه اطلاعات در اختیار دیگران قرار بگیرد و یا اینکه تنها حوزه‌های خاصی از اطلاعات در اختیار دیگران قرار بگیرد. بحثی که تحت عنوان تغییر اطلاعات یا حفظ محتوی اطلاعات، یکپارچگی یا صحت آن مطرح می‌شود در واقع بخش دوم امنیت اطلاعات است، این بحث هم ناظر بر تولیدکننده اطلاعات است. با این منظر اگر بخواهیم نگاه بکنیم تعارضی بین تأمین امنیت اطلاعات، حریم خصوصی و آزادی اطلاعات وجود نخواهد داشت.

یعنی در واقع امنیت اطلاعات به عنوان ابزاری برای تأمین آزادی اطلاعات محسوب می‌شود، چرا که اگر بحث امنیت اطلاعات حاصل نشود افراد نمی‌توانند به آسانی برای آزادی اطلاعات خود گام بردارند. در حوزه اخلاق بحثی که وجود دارد مقداری با بحث فنی آزادی که مابین اطلاعات و امنیت اطلاعات مطرح می‌شود متفاوت خواهد بود. اگر بحث امنیت اطلاعات را به خوبی تعیین و تعریف کنیم، می‌توانیم حوزه آزادی اطلاعات را هم روشن تر و شفاف تر کنیم.

نمک دوست: صحبت را از نکته‌ای که دکتر محسنیان راد مورد اشاره قرار دادند آغاز می‌کنم. ما بایستی در ادبیات جهانی دقت کنیم و بعد فکر کنیم این ادبیات چه وضعیتی در جامعه ما پیدا می‌کند. من وقتی که سه عنوان آزادی، امنیت و اخلاق را مشاهده می‌کنم، آنگاه به نقطه تلاقی برخورد می‌کنم در فضای سایبر که آن را حریم خصوصی می‌دانم. در موضوع آزادی اطلاعات اگر به تاریخ اطلاعات اشاره کنیم به چهار مؤلفه برخورد می‌کنیم، جست و جوی اطلاعات، انتقال اطلاعات، انتشار اطلاعات، دریافت اطلاعات در ادبیات امروز این بحث این گونه عنوان می‌شود که دو شرط آخر تا حدود زیادی مرتفع شده است. یعنی ما مشکل ویژه‌ای برای انتقال، انتشار و دریافت نداریم.

به کمک تکنولوژی به راحتی می‌توان این مشکل را حل کرد. آن موضوع اصلی که همچنان لاینحل باقی مانده است، جست و جوی دسترسی به اطلاعات است. منظور از دسترسی به اطلاعات در ادبیات امروز، دسترسی به هر اطلاعاتی نیست. مراد از دسترسی به اطلاعات، دسترسی به اطلاعاتی است که نزد حکومت است. آن چیزی که اطلاعات را غیرقابل دسترسی می‌کند، واژه حریم خصوصی است. آنچه باقی می‌ماند اطلاعاتی است که در نزد دولت وجود دارد. بنابراین مفهوم حق دسترسی به معنی حق دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار دولت است در مورد این موضوع کسی بحث اخلاقی نمی‌کند، بحث حقوقی مطرح است. وقتی وارد قلمرو حریم خصوصی اطلاعات می‌شویم، بحث اخلاقی مطرح می‌شود. اگر از این زاویه به این بحث نگاه کنیم از وجوه حریم خصوصی چند وجه معمولاً کنار گذاشته می‌شود.

یک بحث حریم جسمانی یا امنیت جسمانی یا حریم اطلاعاتی یا امنیت اطلاعاتی است و مقصود



نمک دوست:

تکنولوژی همیشه با
شکل‌گیری اش حریم
خصوصی ما را مورد تعرض
قرار داده است

اطلاعاتی است که مربوط به شخص است اینکه کیست؟ کجا به دنیا آمده است؟ چه کسی را دوست دارد؟
علائق او چیست؟ بحث دیگر حریم خصوصی، حریم ارتباطی است، نامه‌های من، ارتباطات من. بحث
دیگر حریم خصوصی، حریم فکری من است، کسی حق ندارد من را برخلاف چیزی که فکر می‌کنم وادار به
انجام کاری بکند. برای حریم خصوصی این معانی را می‌توان در نظر گرفت. بنابراین در حوزه آزادی
اطلاعات در حوزه دولت، تا حدود زیادی اجماع در جهان وجود دارد، البته برخی از کشورها بر سر آن توافق
ندارند و آن را باور ندارند. در حوزه حریم شخصی هم اجماع زیادی وجود دارد جز بحثی که اخیراً مطرح شده
و در مورد آن تفاوت نظر وجود دارد.

آن موضوعاتی که حریم خصوصی را در فضای سایبر تهدید می‌کند، سه جنبه است. اولین موضوع و
مهم‌ترین آن که همه بر سر آن توافق دارند دولت است. مهم‌ترین معارض حریم خصوصی در فضای سایبر
دولت‌ها هستند. دولت‌ها به سادگی حریم خصوصی هر کسی را در هر جای دنیا نقض می‌کنند و این در حالی
است که حتی آن را به صورت قانون درمی‌آورند.

دولت‌ها به شکل‌های مختلفی حریم خصوصی را نقض می‌کنند. مثلاً هنگامی که می‌خواهند مرا
استخدام کنند، از من می‌خواهند که انگشت‌نگاری انجام بدهم، معرف بیاورم، کروکی منزل خود و آشنایانم
را بدهم، هیچ کس هم نمی‌تواند که بگوید من نمی‌خواهم این کار را انجام بدهم. بنابراین یک عامل
تهدیدکننده در فضای سنتی کماکان باقی مانده است. یکی از تهدیدکننده‌های جدید حریم خصوصی بخش
خصوصی است. برای مثال برای گرفتن اشتراک یک نشریه از شما میزان تحصیلات، شغل و موارد دیگری
را طلب می‌کنند. در حالی که این مسایل ارتباطی به آنها ندارد. اما می‌دانیم که از این اطلاعات به نفع خود
استفاده می‌کنند.

اما وجه سومی که به آن می‌پردازیم این است که تکنولوژی سایبر هم به یکی از معارضان حریم خصوصی
تبدیل شده است. سه وجه هم برای این پدیده بر شمرده‌اند. تشدید: تکنولوژی همیشه با شکل‌گیری اش
حریم خصوصی ما را مورد تعرض قرار داده است. مثلاً عکاسی که با تولدش مقداری حریم خصوصی را مورد
تعرض قرار داد.

دوربین‌های حرارتی جدید که قابلیت نمایش افراد را حتی از پشت دیوار دارند. در هنگام استفاده توسط
پلیس، خود به خود افراد دیگری که در آن ساختمان قرار دارند را هم به نمایش می‌گذارند. بنابراین یکی از
عوارض تکنولوژی تشدید نقض حریم خصوصی است. مسأله دیگر این است که این تکنولوژی عادی هم
شده است.

همه ما دوربین‌های سر چهارراه را می‌بینیم. می‌دانیم که می‌تواند ما را ضبط کند، مورد پردازش قرار دهد، اما
هیچ توجه ویژه‌ای به آن نداریم. در حقیقت این مسأله برای ما عادی شده است.

بنابراین جنبه دوم تکنولوژی سایبر این است که نه تنها حریم خصوصی زندگی ما را نقض می‌کند، بلکه
شرایطی را به وجود آورده که ما نسبت به این مسأله بی تفاوت شده‌ایم و اصلاً به آن فکر نمی‌کنیم. در بانک
دوربین ما را می‌بیند، چهارراه‌ها، تحریریه روزنامه، همه جا ما تحت کنترل و مراقبت دوربین‌ها هستیم.
نکته سوم را اصطلاحاً تثبیت می‌گویند. به این معنی که اگر ما بخواهیم به این مسأله معترض شویم،
نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم.

بنابراین اگر از زاویه حریم خصوصی بخواهیم به موضوع نگاه کنیم و اختصاصاً بخواهیم به موضوع
تکنولوژی نگاه کنیم، به نظر من بحث واقعی نیست. ما بایست به موضوع دخالت دولت، در مورد دخالت



آشنا:

محیط‌سایبر بهترین
امکانات را برای رویکرد
جهان تحول محور ایجاد
می‌کند

از دید رویکرد جامعه ثبات
محور، بزرگ‌ترین تهدید
محیط‌سایبر است

بخش خصوصی و پرسش درباره اخلاقی بودن دخالت بخش خصوصی در جنبه‌های مختلف زندگی تفکر کنیم و در زمینه امکانات سایبر برای کسانی که به راحتی به حریم دیگران تعرض می‌کنند اندیشید. خلجی: آخرین بحث‌های شما بحث فوکو در مورد جامعه نظارتی را تداعی می‌کند. از آقای دکتر آشنا تقاضا می‌شود در صورتی که امکان دارد بحث را دنبال کنند یا به ادامه مبحث قبلی به موضوع جامعه نظارتی بپردازند.

آشنا: به نظر می‌رسد در مباحث قبلی دو منظر را در نگاه به امنیت تجربه کردیم. یک نگاه، نگاه فرد محور و نگاه دیگر، نگاه جامعه محور است. در نگاه جامعه محور به امنیت، همواره جامعه بر فرد ارجحیت دارد. با این نگاه و تعبیر از امنیت، منظور از امنیت از منظر اجتماعی، توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به ویژگی‌های سیاسی، فرهنگی خود در شرایط متحول جهانی است.

از این منظر مسأله این است که جامعه می‌خواهد بماند و نقش افراد، تلاش برای حفظ هویت اجتماعی است. از منظر دیگر اگر امنیت را فرد محور ببینیم آن وقت دیگر امنیت فرد زیر بخش امنیت جامعه، دولت نیست، زیر بخش امنیت انسانی است. از دید انسانی است که بحث آزادی عقیده، آزادی زبان، آزادی شیوه زندگی، تحقیر نشدن از بابت قومیت و جنسیت، مورد توجه قرار می‌گیرد. حق دسترسی و همه مسایل فوق هنگامی مورد بحث است که ما امنیت را از فرد شروع کنیم. پس تعارض بین امنیت فرد محور و امنیت جامعه محور در شرایطی حل می‌شود که جامعه به نوعی بیان‌گر خواسته‌ها، امیال و آرزوهای افراد جامعه‌اش باشد یا برآیند متناسب و متوازی از تکثر موجود در میان افراد جامعه باشد. به این جامعه امروزه جامعه دموکراتیک گفته می‌شود. جامعه‌ای که در آن انسان‌ها آنقدر می‌توانند توسعه پیدا کنند که خود را در آئینه آن بتوانند ببینند. بدین ترتیب در برخورد با مسأله حل تعارض امنیت فردی و امنیت اجتماعی طبیعی است که راهبردهای مختلفی وجود دارد. این راهبردها توسط دولت، نهادهای اجتماعی یا نهادهای قدرت اعمال می‌شود.

سه راهبرد اساسی ناشی شده از امنیت فرد محور یا امنیت جامعه محور را می‌توان در رویکردهای جهان‌گرایی تحول محور، بومی‌گرایی ثبات محور، یا جهان بومی‌گرایی اعتدال محور جست‌وجو کرد. جهان‌گرایی تحول محور باید با صحبت‌های آقای نمک دوست تطبیق داده شود. یعنی یک جامعه در این شرایط بررسی می‌کند در سطح بین‌المللی، چه اموری مورد توافق قرار گرفته است. کارنخبگان و سیاستمداران جامعه این است که بررسی کنند آن مقدار از مشکلاتی که فرهنگ داخلی جامعه با فرهنگ جهانی دارد را شناسایی کنند و با مکانیزم‌هایی مانند مهندسی اجتماعی در صدد برآیند جامعه عقب مانده از تحولات جهانی را به این سمت هدایت کنند که تحولات را بپذیرد. پس اصولی از بیرون جامعه می‌آید، آن اصول جهانی تلقی می‌شود و فاصله بین جامعه موجود و جامعه مطلوب توسط سیاستمداران و سیاست‌گذاران و قدرت اجتماعی باید پر شود. در رویکرد بومی‌ثبات محور آنچه که ما داریم و هستیم ارزش تلقی می‌شود. سنت مقدس می‌شود، وضع موجود مقدس تلقی می‌شود و هر چیزی که از خارج می‌آید و بیرونی است و مطالبه‌کننده یک نوع تغییر است تهدید محسوب می‌شود. چون با این رویکرد ثبات اصل قرار می‌گیرد، ثباتی که در جامعه نهادینه شده است. در این رویکرد هر بیان‌تغییری تهدید تلقی می‌شود و با تهدید هم باید مبارزه کرد. چون جهان در حال تغییر است در این حالت هر لحظه باید دیوارهای دفاعی را تقویت کنیم.

بدین ترتیب اگر محیط‌سایبر را وارد این بحث بکنیم، محیط‌سایبر بهترین امکانات را برای رویکرد جهان تحول محور ایجاد می‌کند. در این شرایط به گونه‌ای سریع‌تر، بیشتر و سهل‌تر تغییرات در جامعه اعمال می‌شود. از دید رویکرد جامعه ثبات محور، بزرگ‌ترین تهدید محیط‌سایبر است. به خاطر اینکه امکانات



شهریاری:

ما قبول داریم که آزادی ارزش است، اما در این بحث داریم که آیا آزادی در فضای سایبر یک ارزش مطلق است و به نحوی باشد که بتواند تمام ارزش‌های دیگر را کنار بزند و ما مجبور باشیم مسائلی را بپذیریم که فضای جامعه ما پذیرای آن نباشد

نظارت بر تغییرات را بسیار کم می‌کند و تأثیرپذیری فضای داخلی از فضای خارجی را افزایش می‌دهد. در بین این رویکرد می‌شود یک رویکرد جهان بومی‌گرایی اعتدال محور را هم اندیشید.

برای جوامعی که دارای یک تاریخ و فرهنگ قابل اعتنا و قابل اتکا هستند طبیعی است که اگر اینها بتوانند میان ارزش‌های بنیادین و سنت‌هایی که لزوماً ریشه بنیادی ندارند تفاوت قایل شوند و با حفظ اصالت خود، تغییرات را بپذیرند، در محیط ارتباطی سایبر که همراه با تحولات شدید است قدرت دوام‌پذیری بیشتری دارند، در واقع رویکرد اعتدال محور تشویق می‌کند به بازنگری در بنیادهای هویتی جامعه به نحوی که عناصر ذاتی از عناصری که خود نیز وارداتی بود و در اثر مرور زمان تبدیل به اصول شده‌اند تفکیک شوند. رویکرد بازنگری انتقادی به سنت‌ها اجازه می‌دهد که جامعه در مقابل تحولات بین‌المللی خود را حفظ کند. با این رویکرد، در دور بعدی بحث قصد داریم رابطه‌ای برقرار کنیم بین هویت، امنیت و ایمان.

خلجی: با تشکر از آقای دکتر آشنا از آقای دکتر شهریاری تقاضا می‌کنم بحث را ادامه دهند یا به بررسی وضعیت اخلاق در فضای سایبر بپردازند.

شهریاری: ما قبل از اینکه وارد گزاره‌های محوری بحث شویم، خوب است راجع به مفاهیم محوری بحث و تأثیر آن بر فرهنگ بومی بحثی داشته باشیم. یکی از مفاهیم محوری که مورد بحث قرار گرفت آزادی در فضای سایبر بود. این مفهوم اگرچه مشهور و معروف است و به نوعی اجماع بر آن هست، اما هنوز مسایل مهمی از دیدگاه نظریه‌پردازی اخلاقی راجع به آن وجود دارد که ما تا این مسایل را روشن نکنیم یا حداقل این مفاهیم را نشانه‌گذاری نکنیم ممکن است مباحثی پیش آید که این پیش فرض‌ها مربوط به جامعه ما و خصوصیات خاص ما باشد.

اینکه آزادی در فضای سایبر یک ارزش است. به نظر من یک مفهوم محوری است که باید بر روی آن بحث شود و بیشتر باز شود. اینکه آزادی در فضای سایبر یک ارزش نسبی است تا حدودی ما پذیرفتیم و ارزش بودن آزادی را و جنبه‌های مثبت آن را قبول کرده‌ایم. اما چیزی که فضای جامعه را از فضای غرب تفکیک می‌کند. غرب به معنی تفکر رئالیسم این است که در غرب آزادی در فضای سایبر یک ارزش بنیادین است و هیچ وقت در تعارض با ارزش‌های دیگر قرار نمی‌گیرد. ما قبول داریم که آزادی ارزش است، اما در این بحث داریم که آیا آزادی در فضای سایبر یک ارزش مطلق است و به نحوی باشد که بتواند تمام ارزش‌های دیگر را کنار بزند و ما مجبور باشیم مسائلی را بپذیریم که فضای جامعه ما پذیرای آن نباشد. البته این آزادی در فضای سایبر خودش هم محدودیت‌هایی دارد، خود جامعه غربی هم به این مسأله اذعان دارند به طوری که خود غربی‌ها هم نرم‌افزارهایی تولید می‌کنند که باعث عدم دسترسی افراد به اطلاعات می‌گردد. تقسیم‌بندی که در زمینه محدودیت‌های آزادی اطلاعات به صورت بخش دولتی و بخش خصوصی پیش از این عنوان شد، من در قالب کلی محدودیت‌های سازمانی تقسیم‌بندی می‌کنم که در حقیقت همه انواع را شامل می‌شود.

یکی از مقوله‌هایی که افراد از دسترسی به اطلاعات آن منع می‌شوند، آموزش و پرورش است از موارد دیگر مسایل جنسی را می‌توان نام برد. گاهی این مقوله‌ها را که دسترسی به آنها ممنوع است را تا هفتاد مورد برشمرده‌اند.

اگرچه این استثناات برای دسترسی به اطلاعات که در جوامع غربی تدوین شده با کشور ما همپوشانی دارد، اما در نهایت این واقعیتی است که آزادی دسترسی به اطلاعات باید دارای محدودیت باشد.

یکی از موارد استثنا در دسترسی به اطلاعات مقوله امنیت است، این مقوله شامل امنیت فردی، امنیت اجتماعی یا امنیت نهادی است، اگر امنیت فردی باشد تا حدودی پیوند می‌خورد با مقوله حریم خصوصی و

معمد نژاد:
با توجه به اینکه اطلاعات و ارتباطات در دنیای امروز ضروری هستند، پس باید آزادی آنها را هم در نظر گرفت. این یک اصل است، یک ارزش است، ولی مطلق نیست

باز حتی در همین محدوده حریم خصوصی استثنا بعد از استثنا قایل هستند. خود نهادها هم به اطلاع فرد می‌رسانند که در این مقوله‌ها حریم خصوصی شما نقض می‌شود. مثل امنیت سیستم سایبر، بررسی رفتارهای غیر اخلاقی، حفظ امنیت سازمان و... در نهایت اینکه، آزادی حق دسترسی به صورت یک آزادی مطلق موضوعی است که باید به آن رسیدگی کرد. ما می‌توانیم از رفتارهای جامعه استفاده کنیم و استثناهای خاص جامعه خود را شناسایی کنیم و در حقیقت بر استثناهای محلی خود اصرار بورزیم.

همین‌طور می‌توانیم در حوزه حریم خصوصی هم از خود استثناهایی که نهادهای مدنی در فضای جامعه خودمان در نظر گرفته استفاده کنیم و استثناهای قانونی را داشته باشیم.

خلجی: در بحث‌های اخیر، به نوعی بر محدودسازی اطلاعات در جامعه تأکید شد از دکتر معمد نژاد تقاضا دارم در این زمینه توضیحاتی بفرمایید.

معمد نژاد: من فکر کنم یکسری مفاهیمی را باید یادآوری کرد که در صورت عدم توجه به این مفاهیم نمی‌توانیم راه صحیحی را در پیش بگیریم. در اینجا بحث عدم آزادی است، در حالی که ارتباطات و اطلاعات جزء لوازم زندگی است. هم در جوامع اولیه که ارتباطات مستقیم و رودررود هم در جوامع کنونی که امکانات برقراری ارتباطات از فواصل بسیار دور حاصل شده است ارتباطات جنبه بنیانی پیدا کرده است.

اگر نظریات «دورکیم» را در نظر بگیریم، در گذشته ارتباطات جنبه خانوادگی داشت و در جوامع امروزی جنبه سازمانی و بنیادی پیدا کرده است. پس اگر ارتباطات ضروری است، محتوای ارتباطات هم که شامل اطلاعات است ضروری است. بنابراین با توجه به اینکه اطلاعات و ارتباطات در دنیای امروز ضروری هستند، پس باید آزادی آنها را هم در نظر گرفت. این یک اصل است، یک ارزش است، ولی مطلق نیست. ما آزادی را به عنوان اصل می‌پذیریم. آزادی دارای استثناها و محدودیت‌هایی است که باید به روی آن مباحث هم تأکید شود. نمی‌توان به خاطر استثناها به طور کلی آزادی را از بین برد. موقع جنگ، آزادی مطبوعات وجود ندارد. مطبوعات سانسور می‌شود. ممکن است فضاهای اینترنتی بسته شود و این حالات اضطراری استثنا است. استثنای دیگر مربوط به مطبوعات کودکان و نوجوانان، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی کودکان و نوجوانان و برنامه‌های اینترنتی که در شرایط خاص می‌توان آنها را سانسور کرد.

مورد دیگر که در بسیاری از کشورها استفاده می‌شود محدودیت بر مطبوعات خارجی است، زیرا این مسأله با امنیت ملی پیوند خورده است. انتشار همه مطبوعات آزاد است مگر مطبوعاتی که توسط خارجی‌ها انتشار می‌یابد یا از طریق خارج وارد کشور می‌شود. محدودیت‌های آزادی مطبوعات، رادیو، تلویزیون و اینترنت چهار مورد است. محدودیت اول شامل استقلال ملی، تمامیت ارضی و نظم عمومی است. در این زمینه سه روش در دنیا وجود دارد. یک روش منطقی که عنوان می‌کند به موجب قانون باید محدودیت‌های مواردی همچون استقلال ملی، تمامیت ارضی و نظم عمومی مشخص شود نه اینکه هر کسی مدعی شود انتشار این روزنامه، انتشار این سرمقاله، به امنیت مملکت لطمه می‌زند. اصول کلی در طی سیصدسال اخیر دنبال شده که منجر به تدوین قوانین اساسی از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شده است. این یک اصل پذیرفته شده است که محدودیت‌ها باید پیش‌بینی شود. رویکرد فوق، رویکرد منطقی در قبال مسایل مربوط به امنیت و حاکمیت ملی است. در کنار این رویکرد دیگر وجود دارد. یکی مربوط به کشورهای با نظام استبدادی است، صاحبان قدرت برای اینکه قدرت خود را حفظ کنند هنگام شورش، و حرکت‌های استقلال طلبانه، استناد می‌کنند به امنیت ملی که معارض است اصل کلی است که مطابق قوانین

حقوق بشر برای محدودیت‌های آزادی پیش‌بینی شده است.

رویکرد دیگر، رویکرد استعماری است، رویکرد استیلاي جهانی است، رویکردی است که آمریکایی‌ها دارند. آن رویکرد معتقد است که امنیت مطبوعات، امنیت رادیو، تلویزیون و امنیت اینترنت باید حفظ شود. به موجب ماده ۱۹ اعلامیه جهان حقوق بشر، خبرنگاران حق دارند از سراسر جهان بدون ملاحظات مرزی اطلاعات کسب کنند.

در این حالت کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس و... به دلیل داشتن امکانات و توانایی‌های بالا روزانه میلیون‌ها پیام از سرتاسر دنیا جمع می‌کنند. در حالی که هیچ‌کس در این زمینه اعتراضی نمی‌کند و در مجامع بین‌المللی کمتر به این موضوعات پرداخته می‌شود. به همین دلیل هنگامی که بحث فعالیت‌های اینترنت پیش می‌آید، بحث امنیت را مطرح می‌کنند. توجهی به این موضوع ندارند که در فضای سایبر باید اخلاق و حریم خصوصی رعایت شود تنها توجه‌شان به حفظ امنیت سرمایه است. مثلاً در بحث حقوق مؤلف به دنبال حفظ حقوق نویسندگان یا ناشران نمی‌باشد، بلکه به دنبال حفظ سرمایه‌گذاران در صنعت نشر می‌باشد. پس وقتی درباره امنیت صحبت می‌کنیم یک رویکرد اصلی، اصولی قانونی است که در سراسر دنیا وجود دارد که محدودیت‌های را برای آزادی اطلاعات در نظر گرفته است و دورویکرد جانبی غیراصولی است که دیگری برای حفظ استبداد است و دیگری برای حفظ استیلاي خارجی. مجموعه محدودیت‌های دوم مربوط به جلوگیری از برهم خوردن آسایش و سلامت جامعه است. اگر در روزنامه، رادیو، تلویزیون و سایت‌های اینترنتی خبری منتشر شود که بیماری واگیر و با شیوع پیدا کرده است و منجر به بهم خوردن آسایش و سلامت روانی جامعه گردد، که باید از انتشار این اخبار جلوگیری کرد. سومین مجموعه محدودیت‌ها، شامل مواردی است که سنت‌های جامعه، مسایل مذهبی، ملی، فرهنگی، نژادی، عفت عمومی و اخلاق عمومی مورد تعرض قرار بگیرد.

محدودیت چهارم مربوط به لطمه وارد شدن به زندگی خصوصی افراد است. پس از طریق قانون است که ما باید محدودیت‌ها را در نظر بگیریم. آزادی وقتی مورد بحث قرار می‌گیرد یکی آزادی به معنای منفی و دیگری آزادی به معنای مثبت است.

آزادی به معنای منفی که به معنای آزادی از مداخله دولت، آزادی از سانسور دولت و آزادی از حق اجازه‌ای که دولت صادر می‌کند که در کشورهای سرمایه‌داری از ابتدا تا به حال دنبال شده است. هدف این است که شرایطی ایجاد شود برای کسانی که دارای سرمایه هستند تا از محدودیت‌های دولت مصون باشند، که به همین جهت یکی از محدودیت‌های آزادی در این نظام‌ها، آزادی تأسیس مطبوعات دولتی است.

معنای دیگر، معنای مثبت آزادی است یعنی آزادی برای استفاده از آزادی برای دسترسی به فعالیت‌های ارتباطی است. برخلاف مورد اول که کشورهای سرمایه‌داری به دنبال آن بودند. اینجا مکتب‌های رادیکال و کشورهای سوسیالیستی به دنبال تحقق آن هستند.

به همین جهت بعد از جنگ جهانی دوم کشورهایی که سوسیالیست هستند، حق استفاده از ارتباطات، حق بهره‌گیری از فرهنگ و حق توسعه را وارد قوانین خود می‌کنند. حق دسترسی به اطلاعات نیز در سال‌های اخیر از سوی کشورهای در حال توسعه دنبال شده است و این حق را به عنوان یک حق عمومی در سطح جهان برای همه کشورها محسوب می‌کنند. در حالی که کشور آمریکا و کشورهای اروپایی معتقدند که این حق در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی پیش‌بینی شده است.

بنابراین در زمینه محدودیت‌های آزادی بیان ما با دو مانع مواجه هستیم، یک مانع کشورهای اقتدارگرا

محسنیان‌راد:
 من دو خصلت اقلیت زبانی
 و مذهبی را عنوان کردم که
 به این دو می‌توان
 اقلیت‌های دیگری نیز
 اضافه کرد. ما جزو اقلیت
 تولید اطلاعات هستیم و
 این یک واقعیت است.
 چقدر از اطلاعاتی که ما
 تولید می‌کنیم مصرف
 بیرونی دارد و چقدر ما داریم
 از سفره اطلاعات دیگران
 استفاده می‌کنیم؟

و استبدادی هستند و مانع دیگر کشورهای سرمایه‌داری و تمامیت‌خواه می‌باشند. بدین ترتیب اگر به این مفاهیم توجه داشته باشیم بهتر می‌توانیم تصمیم‌گیری کنیم و در ضمن باید توجه داشته باشیم که ما بسیاری از فرصت‌ها را در این زمینه از دست داده‌ایم.

کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی در سال‌های اخیر در زمینه حق دسترسی به اطلاعات خیلی تلاش کرده‌اند و این مسأله‌ای نیست که ما بتوانیم در برابر آن موضع بگیریم، بلکه باید با توجه به شرایط بومی و فرهنگی خاص خودمان، آن را تطبیق بدهیم. نمی‌توانیم بگوییم آزادی مطبوعات، آزادی اطلاعات و آزادی اینترنت را قبول نداریم. در ماه مه ۲۰۰۳ شورای اروپا اعلامیه آزادی ارتباطات در اینترنت را صادر کرد. اصول آن مشخص شده است که از جمله آن این است که تدارک بینندگان ارتباطات اینترنتی را نمی‌توان تهدید کرد. برای فعالیت نیاز به اخذ مجوز ندارند. از سوی دیگر محدودیت‌ها را هم پیش‌بینی کرده‌اند. کشورهای آفریقایی هم در دو سال پیش اعلامیه‌ای صادر کردند که همه اصول و قوانین آزادی را در نظر گرفتند. بنابراین معتقدم که موقعیت‌های زمانی را باید در نظر بگیریم، شرایط فرهنگی و بومی را در نظر بگیریم و طوری عمل کنیم که از دنیا عقب نیفتیم.

محسنیان‌راد: این نکته آخر بحث دکتر معتمدنژاد را بسیار مهم می‌دانم که ما داریم فرصت‌ها را از دست می‌دهیم. صحبت‌های مدعوین به نوعی آسیب‌شناسی علل از دست دادن فرصت‌ها در ایران بود. من قصد دارم جمع‌بندی را انجام بدهم.

من دو خصلت اقلیت زبانی و مذهبی را عنوان کردم که به این دو می‌توان اقلیت‌های دیگری نیز اضافه کرد. ما جزو اقلیت تولید اطلاعات هستیم و این یک واقعیت است. چقدر از اطلاعاتی که ما تولید می‌کنیم مصرف بیرونی دارد و چقدر ما داریم از سفره اطلاعات دیگران استفاده می‌کنیم؟ آقای مهندس جعفری اصلی را مطرح کردند، که این اصل خیلی مهم است.

یک مشکل بزرگی که ما در ایران داریم این است که دولتمردان ایران رسانه‌ها را در اختیار دارند. روزنامه‌های پرتیراژ کشور ما دولتی هستند. دولتمردان کشور اصلاً وارد بازی بحث‌های تئوری ما نمی‌شوند. فرصت ندارند که بخواهند این مفاهیم را بدانند. آنها برای امنیت مفهومی را در نظر می‌گیرند که با آنچه ما در اینجا به صورت آکادمیک بحث می‌کنیم متفاوت است.

این مفاهیم بسیار علمی و مشخص هستند و آنان از آن آگاهی ندارند. اگر آگاهی داشتند، زمانی که یک خانم خبرنگار خارجی از چند تن از والدین دانشجویان که ایستاده‌اند عکس می‌گیرد، گفته نمی‌شد که وی امنیت کشور را به خطر انداخته است و این ماجرای عظیم را برای کشورمان درست کنیم.

ما برای معنی‌ها اشتراکی بین دولتمردان و افراد آکادمیک نداریم. این یکی از ریشه‌های آسیب‌شناسی آزادی اطلاعات است. مسأله دوم در همین حوزه این است که دولتمردان که رسانه‌ها را در اختیار دارند یک ریشه عمیقی از در اختیار قرار داشتن رسانه‌ها دارند و آن در اختیار داشتن منبر است. یعنی دقیقاً حرفی که من بیست سال است تکرار می‌کنم این است که در واقع ما بعد از انقلاب، رادیو را تبدیل به منبر و تلویزیون را تبدیل به رادیو کردیم. خصلت منبر یک خصلت پیچیده و عظیم است، اشتباه بزرگی است اگر خصلت منبر را به سایر رسانه‌ها تعمیم بدهیم.

در همین شرایط است که دیدگاه دولتمردان ایران در مورد تأثیرات رسانه‌ها، چه رسانه‌های جمعی داخل و چه رسانه‌های بیرون از ایران نظریه تزریقی است. به همین دلیل است در این بیست ساله تهاجم فرهنگی به واژه‌ای جا افتاده در ادبیات دولتمردان رسانه ما تبدیل شده است.

جوادی :

**امنیت و اطلاعات می تواند
مکانیزمی برای تأمین آزادی
اطلاعات و ازسوی دیگر
مکانیزمی باشد برای
محدود کردن اطلاعات**

نکته‌ای که آقای جعفری به آن اشاره کردند این بود که محرمانگی و صحت اطلاعات را تولیدکننده اطلاعات تعیین می‌کند و چون ما تولیدکننده اطلاعات نیستیم، در اینجا در جایگاه تصمیم‌گیری قرار نداریم. دولتمردان ما برخی از امنیت تعریفی دارند که قطعاً منطبق با محدودیت‌های ارایه‌شده از دید آقای معتمدنژاد و آقای نمک‌دوست نیست. سوای این مسأله چون ما در جایگاه تولید اطلاعات نیستیم، در این زمینه قدرت اعمال نظر نداریم. به نظر من نکته بسیار مهم دیگری که در آسیب‌شناسی اطلاعات باید به آن اشاره شود این است که ما مرز بین جبر و اختیار را نمی‌دانیم. ما نمی‌توانیم جبر و اختیار در حوزه اطلاعات را تبیین کنیم. اصلاً نیت من این نیست که بخواهم بگویم این جبرها را باید بپذیریم و این موضوعی خوشایند است. من تأسف می‌خورم وقتی می‌بینم دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای در سطح کشور این قدر وسیع شده است. بسیار افسرده می‌شوم وقتی جاهایی از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند که اصلاً انتظار نداشتم این کار را بکنند. اما این ناشی از نادانی‌هایی است که در اثر ندانستن مرز جبر و اختیار شرایط امروز است. چون این جبر و اختیار را نمی‌شناختیم، نمی‌شناسیم و قبول نداریم و نمی‌خواهیم باور کنیم. باعث می‌شود سخن‌دکتر معتمدنژاد عینیت یابد، ما فرصت‌ها را از دست می‌دهیم. ما می‌دانیم که فرصت‌ها دارد از دست می‌رود، و این فرصت‌ها از دست رفتنش ناشی از همین مباحث است. علاوه بر این از دست رفتن فرصت‌ها یاد گرفته‌ایم که سرگردانی سنگینی هم به فضای جامعه تزریق کنیم. تحقیقات من در طی ۲۰ سال اخیر نشان می‌دهد که دولتمردان ما این سرگردانی را در ۲۵ سال اخیر به شدت به پیام‌آفرینان رسانه‌ها منتقل کرده‌اند، برای اینکه بین خودشان توافق ندارند. حجم عظیمی از تئوری‌های هنجاری در سخنان مسئولان دیده می‌شود.

ترکیب پیچیده‌ای به وجود آمده است که به نظر من هیچ روزنامه‌نگاری، در هیچ دانشگاهی قادر نخواهد بود آموزش ببیند که در این شرایط دچار لغزش نشود. اینها نکات مهمی است که تئوریسین‌ها و دانشگاهی‌ها سعی دارند تبیین کنند.

من تصور می‌کنم که بسیار بسیار مشکلاتی داریم که بخشی از آن از قدرت ما خارج و در دست دولتمردان است. ما پای تخته حرف می‌زنیم و در کتاب‌هایی که چاپ می‌کنیم، ولی چه فایده‌ای دارد. اشکال اینجاست! بحث‌های نظری ما مشکلی ندارد. ما در درون دانشگاه‌ها بحث‌های نظری را پی‌گیری، تکمیل و دنبال می‌کنیم و هیچ اشکال ندارد، اشکال آنجاست که دولتمردان هیچ توجهی به بحث‌های ما ندارند.

جوادی: به نظر من خلأ سیاست‌گذاری، فقط بحث هنجاری نیست، نیاز به مباحث جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... دارد. پرداختن به بحث اخلاق، خلأی است که باید روی آن کار کرد و در این زمینه ما در سطح متوسط هم کار نکرده‌ایم. نکته دیگری که باید اینجا بدان اشاره کنم این است که من عنوان نکردم که امنیت نقطه مقابل آزادی است. امنیت و اطلاعات می‌تواند مکانیزمی برای تأمین آزادی اطلاعات و از سوی دیگر مکانیزمی باشد برای محدود کردن اطلاعات.

آزادی ناشی از میلی است که حریم خصوصی میل مقابل آن است، میلی که ما را می‌کشاند به سمت آزادی، میلی نیست که ما را به سمت حریم خصوصی می‌کشاند. و امنیت می‌تواند مکانیزمی برای هر دو باشد.

جعفری: بحث من قصد موضع‌گیری در برابر بحث شما را ندارد. فضای سایبر موضوعات امنیتی را عمومی کرده است و مختص به فضای نظامی امنیتی نیست، بلکه ابعادی اجتماعی و مردمی پیدا کرده است که بسیار هم گسترش یافته است. در جامعه ما تعریفی از امنیت وجود دارد، که نهادینه شده که سابقه آن به

آشنا:
در نگاه من محیط سایبر
آنچنان را آنچنان تر
کرده است

در جامعه سرمایه داری به
سرمایه داری قدرت
بیشتری بخشیده است.
در جامعه استبدادی به
استبداد قدرت بیشتری
داده است

قرن های بسیار گذشته برمی گردد. ابزارهای نظارتی که در فضای سایبر وجود دارد را آن روز ندیده است. آن نگاه را اگر بخواهیم در فضای سایبر اعمال کنیم، فضا خیلی محدود می شود. اگر از این فرصت به وجود آمده فضای شکل گرفته بهره نگیریم و اگر آزادی و امنیت را در این فضا دوباره تعریف نکنیم دچار چالشی خواهیم شده که یا فقط از منظر امنیتی به قضیه نگاه کنیم و براساس آن نگاه سنتی که در ذهن های همه ما رسوخ کرده محدودیت بیشتری را برای آزادی ایجاد کنیم. یا اینکه با توجه به برتری فنی و تکنولوژیکی که در دنیا وجود دارد، با نگاه صرف آزادی اطلاعات بدون نگاه امنیتی مسأله را نگاه کنیم که منجر می شود به این که فرصت ها را از دست بدهیم و امکاناتی را در اختیار دیگران قرار دهیم که منجر به شکل دیگری محدودکننده آزادی در فضای جامعه ما شود.

ماحصل بحث این است که ما با نگاه به فضای سایبر، باید رویکرد مجددی به تعاریف آزادی و محدودیت های آزادی در این جامعه داشته باشیم. یعنی از یک سو فضای سایبری می تواند تبدیل به یک جامعه نظارتی شود یا اینکه تبدیل به فضایی برای گردش اطلاعات گردد. یا اینکه ترکیبی از دو حالت فوق گردد یعنی هم نقش نظارتی و هم نقش گردش اطلاعات را به عهده می گیرد. به نظر بنده در آینده ترکیبی از این جوامع ممکن خواهد بود. امکان نظارت در فضای سایبر بسیار زیاد خواهد بود، از سوی دیگر گردش اطلاعات بسیار سهل تر خواهد بود. ما باید تعریفی از آزادی داشته باشیم که امنیت را در دل خود داشته باشد. امروز امنیت فقط مختص به دولتمردان نیست، من شهروند که از امنیت می خواهم تعریفی داشته باشم، مسائل مالی من در تعریف من از فضای سایبر مؤثر است. در نهایت اگر ما آزادی را طوری تعریف کنیم که امنیت را در دل خود داشته باشد و هم امنیت را طوری تعریف کنیم که آزادی را در دل خود داشته باشد از این فرصت استفاده کرده ایم. که نیاز دارد ما خودمان نگاهی عمیق به این قضیه داشته باشیم.

آشنا: من قصد دارم مشخصاً به جامعه خودمان برگردم. فضای سایبر ممکن است که در یک نگاه تصور شود همه چیز را متحول کرده است. در نگاه من محیط سایبر آنچنان را آنچنان تر کرده است. هر جامعه هرگونه که بوده است تشدید شده است. در جامعه سرمایه داری به سرمایه داری قدرت بیشتری بخشیده است. در جامعه استبدادی به استبداد قدرت بیشتری داده است، نگاه ابزاری من به تکنولوژی اطلاعات مبنای قابل شدن یک نقش اجباری برای تکنولوژی نیست. تکنولوژی ها در جوامع مختلف آثار مختلف دارند، آثار یکسان ندارند. مثلاً در کشور ما بسیار صحبت می شد از اینکه با ورود اینترنت تحولاتی شگرفی در جامعه رخ می دهد، اما اینترنت آمده است و اتفاق چندان خاصی نه در تولید علمی، نه در افزایش ثروت، نه در گسترش حتی آزادی اجتماعی هم رخ نداده است. به همان میزان که ابزارهای آزادی بخشی در فضای سایبر رشد می کنند به همان میزان و یا حتی جلوتر از آن ابزارهای کنترل بخش هم توسعه می یابند.

در اینجا من دو نقل قول انجام می دهم، رئیس محترم سازمان صدا و سیما، در اولین سخنرانی خود در خطابه های نماز جمعه عنوان کردند، در دنیا کشورهایی هستند که فیلترینگ معکوس انجام می دهند. بدین معنی که همه سایت ها را می بندند و تنها سایت هایی را باز می گذارند که از نظر آنها مجاز هستند. آیا به نظر استادان محترم این جلسه به خصوص بخش فنی امکان این کار وجود دارد. از نظر من این امکان وجود دارد.

تصمیم گیری برای اینکه این کار انجام بگیرد وجود دارد، فقط مستلزم اراده سیاسی و پول است.

شرکت «چک پوینت» اسرائیلی این توانایی را دارد. دومین نقل قول از وزیر محترم مخابرات است که وعده دادند که از یکی دو ماه دیگر بحث نوآوری در فیلترینگ در کشور ادامه پیدا خواهد کرد و ما به مرزهایی در فیلترینگ می رسیم که کشورهای غربی هم به آن نرسیده اند. پس اگر در یک کشوری تصمیم گرفته شود

آشنا:
یکی از مفاهیم سازی های
بومی که ما می توانیم
پیگیری کنیم این است که،
در مفاهیم دینی و اخلاقی
که در جامعه خودمان
داریم، مسأله امانت،
امنیت و ایمان بررسی شود

که فضای سایبر کنترل شود توسط نهادهای قدرت، ثروت و سیاست این تکنولوژی اتفاقاً بسیار کنترل پذیر است. یعنی میزان کنترل پذیری و نظارت این پدیده اگر به میزان آزادی بخشی آن نباشد کمتر از آن هم نیست. تکنولوژی مثل بقیه چیزهای ماست. فضای سایبر در ایران خصلت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را بروز می دهد. با این نگاه توصیفی که داشتیم باید ببینیم که نسخه هایی که برای آزادی در فضای سایبر در نظر می گیریم می تواند وارداتی باشد یا نمی تواند. بدون آنکه بیرون را نگاه کنیم، طبیعی است که نمی توانیم نسخه ای برای خود بپیچیم. من به آن بخشی از موضوع نگاه می کنم که خاص خود ماست. ما دوره های مختلفی از رابطه بین ثروت، قدرت و جامعه را طی کرده و به مرحله ای از رشد هم رسیده ایم. مفهوم گفتن اعتدال گرا تلاش است برای گریز مفهومی از آن طرفی که قبلاً ما دچار آن بودیم. [افراط و تفریط]. این اعتدال یعنی اینکه حد جامعه و حد حکومت هر دو باید به رسمیت شناخته شود که ما را می رساند به مفهومی که در ادبیات جهانی هم به شدت به آن برمی خوریم که بحث آزادی مسئولانه است. آزادی مسئولانه یک مفهوم بسیار باارزش است برای جامعه امروز ما است.

در بحث آزادی مسئولانه ما سه مفهوم زیر بخش داریم. یکی بحث قانونمند بودن یعنی آزادی در چارچوب قانون، این آزادی در چارچوب قانون یک پیش فرض دارد و آن این است که رویکرد قانون افزایش آزادی باشد نه محصور کردن آن بحث آزادی مسئولانه، پرسش پذیر بودن کسانی است که از این آزادی استفاده می کنند. قابلیت سؤال و وجود داشته باشد و آن ها خود را پاسخگو بدانند. اگر مفهوم آزادی مسئولانه را جدی بگیریم، مفهوم پرسش گر بودن را مجبوریم جدی بگیریم.

در رویکرد آزادی مسئولانه ما باید به جامعه آموزش، آزادی و مهارت بدهیم تا بتواند بپرسد. از کسانی پرسد که میزان بهره مندی شان از آزادی بیشتر از بقیه افراد است. دولت در مقابل فرد خیلی آزادی بیشتری دارد. به همین دلیل باید در برابر پرسش ها پاسخگو باشد و ظرفیت پاسخگویی اش را افزایش بدهد.

سومین مسأله پرداختن بهای آزادی در قبال پرسش هاست، یعنی اگر آزادی مسئولیت وجود دارد، در مورد نقض مسئولیت ناشی از آزادی بتوان مجازات کرد. این مجازات چون در مورد دولت ها قابل اعمال نبوده است، همواره دولت ها توانسته اند آزادی را به نفع خودشان تعریف کنند و در جهت محدود کردن آن اقدام کنند.

آخرین بحث من برقراری رابطه بین امنیت، امانت و ایمان است.

یکی از مفاهیم سازی های بومی که ما می توانیم پیگیری کنیم این است که، در مفاهیم دینی و اخلاقی که در جامعه خودمان داریم، مسأله امانت، امنیت و ایمان بررسی شود، به جای اینکه از Security شروع و ترجمه کنیم مفهوم را، از این طرف شروع می کنیم [از داشته های بومی در دین] همان طور که گفته شد ما احتیاج به این داریم که احساس امنیت داشته باشیم. احساس امنیت یعنی اینکه من مورد تجاوز قرار نمی گیرم. از چه زمانی من احساس امنیت دارم، از زمانی که دونکنه محرمانه بودن و صحت اطلاعات رعایت شود. این مسأله چیزی نیست الا امانتداری. هنگامی که من چیزی را در اختیار شما قرار می دهم، انتظار دارم که شما آن را در اختیار دیگری قرار ندهید و همان طوری که به شما تحویل داده ام، برگردانید. یعنی صحت آن و محرمانه بودن آن حفظ شود، کی من این توقع را از شما انتظار دارم، از وقتی که شما را فردی با ایمان تلقی کنم. ایمان به این معنی نیست که رابطه شما با من، صرفاً یک رابطه دوطرفه است. ایمان از وقتی به وجود می آید که شما بین رابطه خود و من، یک متغیر کنترل کننده دیگری را برای خود قائل باشید. من اسم آن را وجدان می گذارم.

محسنیان را: ما در ایران تا زمانی که نگاهمان نگاه تزریقی باشد و فکر کنیم مردم موم هستند و تهاجم در حال انجام است و ما باید جلوی تهاجم را بگیریم، این نگاه، نگاهی است که به جایی نمی‌رسد و سرگردانی ما را افزوده می‌کند

برخی اسم آن را ایمان مذهبی و اعتقاد می‌گذارند. یعنی اگر من به این قائل نباشم که در صورتی که حق کسی را پایمال کردم قدرتی غیر از جامعه و خود فرد، حق او را می‌ستاند، همواره می‌توانم امانت‌داری خود را نقض کنم. محدوده امانت منهای ایمان تا آنجاست که شما می‌توانید کنترل کنید. اگر شما و جامعه توانستید این امانت‌داری را حفظ کنید، باقی می‌ماند در غیر این صورت عامل کنترل‌کننده‌ای وجود ندارد. پس ما نیاز به مبانی اخلاقی برای امانت و امنیت در جامعه داریم.

محسنیان را: به چند نکته کوچک اشاره کنم. این بحثی که تحولات سخت‌افزاری حوزه ارتباطات می‌تواند کشورهای دیکتاتور را دیکتاتورتر کند. بحثی است که در قدیم وجود داشته و در حال حاضر در حال تغییر است. در کتاب ارتباط جمعی و توسعه روستایی در ۱۴ سال پیش اشاره کردم که «وانیل لرنر» چون زبان بومی کشورهای در حال توسعه را نمی‌دانسته است، نمی‌توانست بفهمد که این کشورها از رسانه‌ها استفاده می‌کنند برای عدم توسعه، اولین شرط توسعه این است که حکومت بد باید برود. اگر حکومت بد از رسانه به عنوان پروپاگاندا و ابزار تبلیغات استفاده کرد، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه که سطح سواد پائین است رسانه‌ها بازدارنده توسعه می‌شوند. امروزه همیشه جایگزین‌هایی برای ارتباطات وجود دارد. الان دستگاهی وجود دارد که می‌توان نوار ویدئویی را با تلفن بدون مداخله دولت ظرف ۵ دقیقه به هر جای دنیا فرستاد و در آنجا ضبط کرد. در کرمان به من گفتند هیچ فیلمی به اندازه فیلم مارمولک توزیع و تکثیر نشده است. نکته اخلاقی و ارزشمند که آقای آشنا اشاره کردند اولین شرط آزادی این است که پرسش‌پذیری باشد. ولی پرسش‌پذیری آغاز است، پرسش‌پذیری می‌تواند؛ به بودن یا نبودن منتهی شود. من باید عاقبت پرسش‌پذیری را بپذیرم و بعد وارد بازی شوم. آخرین بحث من به سخنان مهم یک استاد بلژیکی در دهه، دوازده سال پیش در نشست در کوه برمی‌گردد.

وی در آنجا سخن مهمی گفت که می‌تواند سؤال مهم دولت جمهوری اسلامی باشد. وی گفت: عصری که ما بپرسیم رسانه‌ها با مردم چکار می‌کنند تمام شد. ما باید بپرسیم مردم با رسانه‌ها باید چکار کنند. فرزندان من باید یاد بگیرند که با تلویزیون، اینترنت، ماهواره چگونه رفتار کنند تا شخصیت فرهنگی، پاره فرهنگی شان آسیب نبیند. ما در ایران تا زمانی که نگاهمان نگاه تزریقی باشد و فکر کنیم مردم موم هستند و تهاجم در حال انجام است و ما باید جلوی تهاجم را بگیریم، این نگاه، نگاهی است که به جایی نمی‌رسد و سرگردانی ما را افزوده می‌کند. ما باید به مردم یاد بدهیم که با رسانه‌های خارجی چه کار کنند. البته وقتی ما به مردم یاد دادیم با رسانه‌های خارجی چه برخوردی داشته باشند، آنها یاد می‌گیرند که با رسانه‌های داخلی هم چگونه برخورد کنند. یاد خواهند گرفت که مفهوم خبر را یاد بگیرند تا بدانند که تلویزیون دارد خبررسانی می‌کند یا اینکه در حال پروپاگاندا است. در این حالت اشکالاتی پیش می‌آید که باید آنها را حل کرد.

نمک دوست: آقای «نوام چامسکی» کتابی دارد که در آن می‌گوید: هر کار زشتی که یک فرد انجام می‌دهد، هر کار نادرستی که یک فرد انجام می‌دهد همان کار را اگر دولت انجام دهد، اسم آن را می‌گذارد مصلحت. مثال‌های متعددی می‌دهد. من در بحث‌های قبلی که در مورد منابع اصلی تعرض، حریم خصوصی یکی از آنها را دولت نام بردم.

من در اینجا می‌خواستم این بحث را تأکید کنم که در ایران وقتی بحث از اخلاق در فضای سایبر می‌شود به دنبال این می‌رویم که مثلاً یک جوانی چتی انجام داده، ارتباط الکترونیکی دارد و... در حالی که مهم‌ترین منبع تعرض به حقوق مردم را نمی‌شناسیم. مثال‌های متعددی از تعرض به امنیت شخص، حقوق شخصی می‌توان ارائه کرد. یا تعرضی که نهادهای تجاری به حریم شخصی انجام

نمک دوست:

دموکراسی سه رکن دارد.
یکی همان طور که دکتر آشنا
اشاره کردند، پاسخ پذیری
و دیگری شفافیت و وجه
سوم مشارکت است. یعنی
مردم باید بدانند در
حکومت چه می‌گذرد که
بتوانند رأی بدهند به آقای
«الف» یا آقای «ب»

می‌دهند. اینجا باید گرانیگاه بحث اخلاق ما باید باشد.

چرا گفتم که حوزه امنیت را منفک می‌کنیم. به دلیل اینکه در طول تاریخ یکی از حوزه‌های که غیر اخلاقی‌ترین رفتارها در آن صورت گرفته حوزه امنیت است. توسط همه حکومت‌ها از این قلمرو به صورت غیر اخلاقی استفاده شده است. در حالی که افرادی که به این دلایل امنیتی تعبیه شده‌اند، افراد بسیار بسیار اخلاقی بوده‌اند.

در صحبت‌هایی که انجام شد چند واژه بیان شد، آزادی بیان، آزادی مسئولانه، دموکراسی و امنیت. مؤلفه اصلی در تمام این آزادی‌ها، حق آگاهی است که در ابتدا صحبت شد و آزادی اطلاعات یا حق دسترسی.

مسئولیت بدون آگاهی، بدون دسترسی به اطلاعات اصلاً امکان پذیر نیست. در حوزه دموکراسی هم گفته می‌شود دموکراسی دو وجه دارد، یک وجه درون که آگاهی شهروندان است و یک وجه بیرونی که نهادها هستند.

بسیاری از کشورها نهادهای دموکراتیک را به وجود آوردند، اما به وجه دیگر دموکراسی یعنی آگاهی بخشی توجه ندارند، بنابراین دموکراسی در آن کشورها محقق نمی‌شود.

در تعبیر دیگری که برای دموکراسی وجود دارد می‌گویند دموکراسی سه رکن دارد. یکی همان طور که دکتر آشنا اشاره کردند، پاسخ‌پذیری و دیگری شفافیت و وجه سوم مشارکت است. یعنی مردم باید بدانند در حکومت چه می‌گذرد که بتوانند رأی بدهند به آقای «الف» یا آقای «ب» این مثال را جاهای دیگر هم اشاره کرده‌ام، بنده باید برای انتخابات دور آینده این موضوع را بدانم که در دوره قبلی حق با شورای نگهبان بوده است یا نمایندگان رد صلاحیت شده. وقتی ندانم که در جلسات سران چه گذشته است، چگونه می‌توانم در مورد انتخابات تصمیم‌گیری کنم. بنابراین تصمیم‌گیری مشارکتی که من می‌خواهم داشته باشم بایستی مبنای دسترسی به اطلاعات داشته باشد.

پس به نظر می‌رسد گرانیگاه همه این بحث‌ها حق آگاهی، حق دانستن، حق دسترسی است. این موضوع که آزادی استثنا دارد، همان طور که آقای دکتر معتمدنژاد فرمودند کاملاً امر بدیهی است؛ در لیبرال‌ترین حکومت‌ها هم برای آزادی استثناهایی وجود دارد.

آنجایی که محدودیت‌های آزادی را مشخص تر کرده‌اند، بدین ترتیب است که استثناهای آزادی باید به موجب قانونی مشخص باشد. و بعد قابل اعتراض باشد و یک مرجعی برای رسیدگی وجود داشته باشد.

هنگامی که ما یک مفاهیم کلی را به عنوان استثنا در نظر بگیریم، دو کلمه را عنوان کنیم و بعد هر چیزی را در زیر قالب آن ببریم، عمل غیر اخلاقی را انجام داده‌ایم.

بعد مسأله زمان دار بودن اطلاعات است، به عنوان مثال قرار نیست تا صد سال، هزار سال آینده مشخص شود بین آقای خرازی و جک استرا چه گذشت. بالاخره باید یک زمانی داشته باشد. در موضوع حریم شخصی هم، متخصصان عنوان کرده‌اند که قطعاً دولت باید اطلاعات از شهروندان داشته باشد، اما سه ویژگی را باید مدنظر داشت. نخست خود مردم باید بدانند چه اطلاعاتی از آنها در نزد دولت است. برای اینکه اگر اشتباه است بتوان آن را تصحیح کند. اگر لازم به توضیح است، توضیحی بدهد تا از یکسری امکانات محروم نشود به دلیل اطلاعاتی که وجود دارد، یا سوء تعبیرهایی که ایجاد شده است. بعد اینکه جایی که بتوان در آنجا به اطلاعات موجود اعتراض کرد. در چند سال پیش بچه‌ها به وسیله گزینش از ورود به دانشگاه منع می‌شدند. تکلیف این گزینش‌ها چه بود، نحوه پاسخگویی چگونه بود. در نهایت بحث من این است که این استثناها

شهریاری:
در حوزه اخلاق IT یکی از
فعالیت‌های اصلی ایجاد
یک نوع موازنه بین دو
مقوله آزادسازی اطلاعات و
امنیت اطلاعات است

را به دقت روشن کنیم، امکان دادخواهی را برای آن تعریف کنیم و به آن اعتراض‌ها و واقعاً ترتیب اثر بدهیم. من معتقدم اگرچه این بحث‌ها، ادبیات جهانی موضوع است، ولی باید ما هم موضع خود را نسبت به این مقوله‌ها به صورت روشن و قطعی مشخص کنیم.

آخرین نکته این است که قبول داریم که ما هنوز نمی‌توانیم اثر فن‌آوری را روی وضعیت سیاسی اجتماعی جامعه به صورت ملموس و مشخص تعیین کنیم، اما من معتقدم که ممکن است که صدای آن را چهارسال یا ده سال دیگر بشنویم. این موضوعی است که ارزش پژوهش را دارد. که آیا تکنولوژی‌های نوین تغییراتی در جامعه ما رخ داده‌اند یا نه. من نه با قاطعیت می‌گویم رخ داده و نه با قاطعیت می‌توانم بگویم رخ نداده است. رفتارهای سیاسی مردم در ظاهر شباهتی به رفتارهای سیاسی ۵ سال پیش، ۱۰ سال پیش ندارد. من معتقدم ارزش‌ها، نگرش‌های مردم نسبت به گذشته خیلی تغییر کرده است و این موضوعی است که باید از طریق پژوهش کاملاً بررسی گردد.

شهریاری: با توجه به صحبت‌هایی که اساتید در زمینه اهمیت فرصت‌ها داشتند و ذکر این نکته که در ۸ سال اخیر مسئولیت تولید محتوی خصوصاً در زمینه اینترنت به ذکر برخی از تجربیاتم می‌پردازم. هنگامی که اولین بار در سال ۱۳۷۵ اولین ISP در قم راه‌اندازی شد، ما در ابتدا دچار یک حیرت تکنولوژیک شدیم. حجم وسیع اطلاعات عرضه شده چشم و گوش ما را باز کرد و از وجود این چنین فضایی متحیر شدیم. طبیعت امر در مواجهه با تکنولوژی‌های نوین در ابتدا چنین است، اما بعد از اینکه زمان گذشت ما توجه مان را معطوف کردیم به پتانسیل‌هایی که در فرهنگ مان وجود دارد و تا آن زمان شرایط برای عرضه آنها وجود نداشت.

در حیطه نظری حرف‌های زیادی برای گفتن داشتیم، اما هیچ‌گاه ابزار دسترسی و اشاعه آن را نداشتیم. تا قبل از این یک فرد در خارج تنها در حدود ۱۰ دقیقه از طریق اخبار ایران در ساعت ۱۲ شب دنیا می‌توانست از اوضاع ایران با اطلاع گردد. ما امروز باید توجه کنیم که ما دارای دارایی‌هایی هستیم که نوعاً بی‌نظیر و دست‌نخورده است که برمی‌گردد به و جاهت اخلاقی که نظریه پردازان می‌گویند. در دنیای امروزی افراد از لحاظ اخلاقی دچار خلأ شده‌اند و به آن احساس نیاز پیدا کرده‌اند. به همین دلیل همین احساس نیاز است که تفکرات فردی و گروهی مختلفی برای دست یافتن به آن ایجاد شده است.

تابه حال نتوانسته‌ایم داستان‌های شاهنامه را با آن تذکرات اخلاقی به جهانیان معرفی کنیم. شاهنامه یک مثال است، الگوهای معنوی و اخلاقی متعددی در فرهنگ ما وجود دارد.

در گذشته امکانات ارائه این داشته‌های فرهنگی را نداشتیم، ولی امروزه این فضا ایجاد شده است. اگرچه تولید اطلاعات در سطح جهانی بسیار زیاد است، به طوری که گاهی این ابهام را به وجود می‌آورد که ما تولیدکننده اطلاعات نیستیم. اما مسأله‌ای که باید به آن توجه داشت، اولاً این است که ما داریم خودمان را با کل دنیا مقایسه می‌کنیم. در این صورت حجم اطلاعات تولید شده ما بسیار کم است. اما باید به این نکته توجه داشت که این فضای جدید امکانات را در اختیار ما قرار می‌دهد که ما چیزهایی را به دنیا عرضه کنیم که هم جهانیان و هم ما بدان احتیاج داریم، پیش از این تصویری که از کشور ما در شبکه‌های غربی به نمایش گذاشته می‌شد، ذهنیت بسیار متفاوتی از واقعیت جامعه را شکل می‌داد، اما امروزه ما می‌توانیم سخن خودمان را به دنیا عرضه کنیم.

لازم به تذکر است که در همین زمینه‌ها امروزه کارهای بسیار عظیمی انجام شده و سعی هم شده در همان زمینه‌ای باشد که دنیا به آن تشنه است. سهم ما از تولید اطلاعات اگرچه نسبت به کل حجم اطلاعات تولید شده اندک است، اما در مقایسه با دیگر کشورهایی که سهمی دارند کم نیست. در این زمینه ما در مقایسه با کشورهای هم

شهریاری:
ما پیشرفت‌های غرب را در
حوزه آسمان خراش‌ها،
تولیدات صنعتی، نظامی
دیدیم، اما هیچ کس
پیشرفت‌های آنها در زمینه
علوم اجتماعی را ندید.
یکی از دلایل موفقیت
آنها این بود که از علوم
اجتماعی استفاده کردند

سطح کاملاً پیشتاز و پیشرفته هستیم. ۱۲ سال است که در نمایشگاه جی تکس شرکت داریم. اقوام دیگر از اطلاعات تولیدشده در ایران اظهار تعجب می‌کنند و برای آنها جذاب است، به نظر من باید به این نوع تولیدات توجه شود و در این زمینه سرمایه‌گذاری شود، استفاده از فرصت یعنی همین چیزی که دنیا ۱۰۰ سال است در بوق و کرنا کرده و اشاعه می‌دهد و ما چیزهایی که ۱۰۰ سال ابزارش را نداشته‌ایم امروزه ابزارش را داریم. امیدوارم که این بحث‌ها نهادینه شود و ما دچار این مسأله‌ای که آقای محسنیان راد فرمودند، یعنی جدایی بحث‌های نظری از بحث‌های عملی نشویم. البته این موضوع اختصاص به مملکت ما ندارد، در آمریکا هم فیلسوف اخلاق بحث‌های آکادمیک و سبک خاص خود را دارد که متأثر از فضای آمریکایی نمی‌باشد، دولتمردان آمریکا هم کار خود را انجام می‌دهند. در آنجا هم تفکیک مقام عمل و نظر را هم مشاهده می‌کنیم. امیدواریم از فرصت‌ها استفاده کنیم.

محسنیان راد: لازم است ما یک تجدید نظری در خوش بینی‌هایمان، داشته باشیم. این شعارهای خوش بینانه به ما آسیب‌های اساسی رسانده است.

قصد من جسارت به گفته‌های شما نیست، صحبت‌های شما ناشی از عشق شما به وطن و جامعه است. می‌خواهید نشان دهید که برای بقای جامعه پیوسته هستید. واقعیت این است که این طور نیست. شهریاری: اجازه بدهید من توصیفی انجام بدهم که شاید بر آن به توافق برسیم. منظور من این نبود که موقعیتی که امروز ما در آن قرار گرفته‌ایم خیلی بالا است. منظور من این است که ما سهمی داریم در تولید اطلاعات یا اینکه ما باید سهمی داشته باشیم در تولید اطلاعات. یا می‌توانیم سهمی داشته باشیم که نباید از آن غفلت کنیم، پس بحث من صرفاً این است که ما هم مثل دیگر افراد دنیا می‌توانیم سهمی در تولید اطلاعات داشته باشیم، آنگاه هیچ امتیازاتی بر ما ندارند، که بعضاً خوش بینی‌ها هم می‌گویند که امتیازات عقلانی داشته باشیم. پس ما می‌توانیم در این زمینه تلاش خود را مصروف بنماییم. آشنا: یکی از دلایل موفقیت غرب این است که از دانش علوم اجتماعی به بهترین نحو استفاده کرده است. بنده در هنگام دریافت دومین جایزه پژوهشگر نمونه در آن وقت گفتم که ما پیشرفت‌های غرب را در حوزه آسمان خراش‌ها، تولیدات صنعتی، نظامی دیدیم، اما هیچ کس پیشرفت‌های آنها در زمینه علوم اجتماعی را ندید. یکی از دلایل موفقیت آنها این بود که از علوم اجتماعی استفاده کردند. دانشگاه مطرحی مانند هاروارد معروفیت خود را بیشتر مدیون قومی بودن در حوزه علوم اجتماعی است. آنها مشاوران همه سیستم‌های آنجا هستند. اینجا یکی از حوزه‌های قوه قضائیه در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران جواب می‌دهد، به شما چه ارتباطی دارد که سؤال می‌پرسید. یعنی آنقدر خود را عقل کل می‌داند، که خبرنگار حتی حق ندارد از او سؤال کند. کدامیک از تصمیم‌گیران در این مملکت فتوی نهایی‌شان را از اندیشمندان گرفته‌اند.

در این سمینارها دیده می‌شود که در ابتدا مقامات سخنرانی می‌کنند، به محض اینکه نوبت به اندیشمندان می‌رسد، بلند می‌شوند و به دنبال کار خود می‌روند. ما بارها و بارها باید سخنان آنها را بشنویم، از رادیو و تلویزیون و چه در سمینارها، کی باید آنها به سخنان ما گوش بدهند. از این نظر ما به شدت در ایران اشکال داریم اشکال ما هم این است که امور ما با پول نفت می‌چرخد، نه با فرمول‌ها و نسخه‌های ما. تلاش همه ما به دست آوردن سهمی در جهان است، ولی باید غافل نشویم از واقع بینی‌های که به شدت به خردگرایی نیاز دارد.

تصور من این است که اگر دولت را به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در گردش و تبادل اطلاعات

آشنا:
گاهی این مشاوران
هستند که دولتمردان را
در استخدام خود
آورده‌اند تا کارها و
برنامه‌های مورد نظر آنها
را انجام بدهند

بدانیم و سؤال ما هم این باشد که اگر معنایی که در نزد سیاست‌مداران از این مفاهیم وجود دارد با معنایی که ما از این مفاهیم داریم متفاوت است. این معنا از کجا به ذهن سیاست‌مداران رسوخ کرده است؟ مگر آنها در دانشگاهی غیر از دانشگاه‌هایی که شما درس خوانده‌اید یا درس داده‌اید، تحصیل کرده‌اند؟ یا اینکه همه اینها روحانی هستند و غیر روحانی وجود ندارد که عقیده‌اش بدین گونه باشد؟ به نظر می‌رسد که در ایران، حتی در دوره آقای خاتمی اساساً هنگامی که فرد وارد حوزه دولت می‌شود [براساس تجربه‌های من از حضور در دولت و بازگشت به ملت] و به عنوان تصمیم‌گیر می‌تواند کار کند، تقریباً هیچ حریمی براو وجود ندارد.

ما قوانین محدودکننده عمل دولت اصلاً نداریم. نه قوانین بلکه مفاهیم محدودکننده عمل دولت هم نداریم. برای اینکه همواره جامعه کوچک بوده است و دولت بزرگ، دولت در حق جامعه پدری می‌کرده است. بین دولت و جامعه رابطه پدری، فرزندی حاکم بوده است. لذا دولت همواره احساس می‌کند یک حق نظارتی بر جامعه دارد. فرد وقتی وارد حوزه دولت می‌شود، احساس می‌کند از یک حقوق بدون پرسش بهره‌مند شده است. نکته دوم این است که برخلاف نظر آقای محسنیان راد که عنوان می‌دارد، اعمال دولت پایه فکری و نظری ندارند، رفتار دولت دارای بنیان‌های نظری و فکری می‌باشد، فقط مشاورانشان مثل شما نیستند.

در واقع برای دولت، قوه قضائیه، صدا و سیما تحقیقات با هزینه کلان انجام می‌شود. علاوه بر این از این پروژه بزرگ علوم اجتماعی را چه کسی تأمین می‌کند، مگر غیر از این است که دانشگاه شما [علامه طباطبایی] هم با بودجه این پروژه، تحقیقات انجام می‌دهد. آیا واقعیت این است که این پروژه‌ها انجام می‌شود، نتایج بسیار روشنی دارد، ولی خوانده نمی‌شود. من این موضوع را باور ندارم، اصلاً اینطور نیست که این نتایج مورد توجه قرار نگیرد. به نظر من برای بسیاری اعمالی که دولت انجام می‌دهد، تحقیقات آکادمیک انجام شده و به نتایج مورد نظر دولت هم رسیده‌اند. این تحقیقات سفارشی، نتایج سفارشی هم به دنبال آورده‌اند. شما تحقیقی درباره سیاست‌های کشورهای جهان در مورد ماهواره، برای مجلس انجام داده‌اید. از نظر جناب عالی باید براساس نتایج این تحقیق در مورد استفاده از ماهواره چه تصمیمی گرفته می‌شد! محسنیان راد: استفاده از ماهواره منع نمی‌شد.

آشنا: مستند قانون من تحقیق شماس است. از جایی می‌گیرند که کار خود را توجیه کنند. در واقع دو حالت در این تحقیقات وجود دارد. یا با تحقیق انجام شده برخورد گزینشی می‌شود، یا در واقع تحقیق اصولاً انتظارات و خواسته‌های سفارش دهنده را پشتیبانی می‌کند، سوم، مشاوران مادام‌الریاستی که کار توجیه مسئول مملکتی را به عهده دارند. این موضوع اصلاً به این معنی نیست که دولتمردان لزوماً مشاورانی را استخدام می‌کنند تا از پیشنهادات آنها استفاده کنند، بلکه گاهی این مشاوران هستند که دولتمردان را در استخدام خود آورده‌اند تا کارها و برنامه‌های مورد نظر آنها را انجام بدهند.

یعنی صورت مسأله کاملاً برعکس است. کسانی که توان فکری دارند، اما قدرت اجرایی ندارند در پشت صحنه سیاست تلاش می‌کنند کسی بالا بیاید که فکر آنها را بتواند عملی بکند. در نهایت دیده می‌شود نتیجه ۵ سال، ۸ سال حکومت یا وزارت یک نفر، شامل مجموعه حرف‌های یک نفری است، که زمانی آنها را در یک مقاله ارائه کرده است. لذا این آسیب‌شناسی را هم باید مدنظر گرفت.

معمد نژاد: ما این مسئولیت بزرگ را به عهده داریم و باید این مسئولیت را ادامه بدهیم. ما

معمد نژاد:

در نظام حقوق رسانه‌ها
کار می‌کنیم، تا به جایی
برسیم که نظام حقوق
ارتباطات را به جایگاه
مناسبی برسانیم.

تلاش ما این است که
توجه مسئولان را جلب
کنیم. اگر چه بسیار
طولانی است

فعالیت مان را باید در چند جهت ادامه بدهیم. تحقیقات و مطالعات خودمان را ادامه بدهیم، مخصوصاً برای کلاس‌های درسی دانشگاه‌ها؛ زیرا اگر ما این مسائل را در کلاس‌ها به خوبی تشریح کنیم از دل همین دانشجویان در آینده مسئولان مملکتی به وجود می‌آیند. برای پیشبرد این قضیه ما در برنامه‌های ارتباطات تجدیدنظر کردیم. دانشکده علوم ارتباطات تصویب شد و تأسیس می‌شود. در آنجا ما یک رشته جدید به نام مطالعات ارتباطی و فن‌آوری اطلاعات در نظر گرفته‌ایم که در سطح فوق لیسانس و دکتری ادامه پیدا خواهد کرد.

یک دوره کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات با دو شاخه حقوق ارتباطات جمعی، حقوق ارتباطات راه دور و فن‌آوری اطلاعات به تصویب رسانده‌ایم که از سال آینده دانشجو خواهد گرفت. با پی‌ریزی این دوره‌ها در سطوح لیسانس، فوق لیسانس و دکتری، در سال‌های آینده با ورود فارغ‌التحصیلان جدید تأثیرگذاری بیشتری بر برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت جمهوری اسلامی ایران خواهیم داشت.

ما در ۱۵ سال گذشته در کنار آقای محسنیان‌راد، یک مطالعه تحقیقات ۱۲ موردی را شروع کرده‌ایم که موفق نشدیم در همه جنبه‌ها به دلیل مشکلات مالی کار کنیم. در برخی از جنبه‌ها کار کردیم از جمله در یک مورد توانستیم نظام حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را آماده کنیم. کارهای اولیه آن در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده، و قرار است لایحه قانون آن به مجلس ارائه شود. اگر تصویب نشود مهم نیست ما منتظر می‌مانیم در سال‌های آینده حتماً تصویب خواهد شد. در همین زمینه پیش نویس قانون اصلاح حرفه روزنامه‌نگاری را آماده کردیم که در دست بررسی است که برای تصویب به مجلس ارائه شود که ان شاء الله به تصویب برسد. در نظام حقوق رسانه‌ها کار می‌کنیم، تا به جایی برسیم که نظام حقوق ارتباطات را به جایگاه مناسبی برسانیم. تلاش ما این است که توجه مسئولان را جلب کنیم. اگر چه بسیار طولانی است. این پیش نویس‌ها هنوز به تصویب نرسیده است. اما ما تلاش خود را می‌کنیم تا بالاخره اثر خود را بگذارد. هدف جلب توجه مسئولان برای تدوین یک برنامه نهایی است. این طرح باید همه جنبه‌های ارتباطات را در نظر داشته باشد و توجه بیشتری به ارتباطات اینترنتی یا دیجیتال یا سیاره‌ای شود. این طرح سه رکن دارد: ۱. پژوهش، ۲. سیاست‌گذاری، ۳. برنامه‌ریزی. برنامه‌ریزی‌های آینده باید براساس پژوهش باشد. ما در دانشگاه باید این وظیفه را به عهده بگیریم. حتی اگر کار به جایی برسد که ۱۰ سال کار کنیم و یک شاهی هم نگیریم. حتی اگر در جلساتی شرکت کنیم که هیچ نتیجه‌ای از آن نگیریم. حتی اگر کار به جایی برسد که برای حفظ مرکز تحقیقات از دوستانمان قرض کنیم، تا با قرض خودمان را بچرخانیم. حتی اگر درها را برویمان ببندند، نباید پاپس بکشیم، برای اینکه هدف ما پیشرفت مملکت است. باید از جنبه‌های مثبت نظام مردم‌گرا استفاده کنیم و جنبه‌های منفی سرمایه‌داری آن حذف کنیم، جنبه‌های مثبت نظام محدودگرا را مورد توجه قرار دهیم و جنبه‌های ضد آزادی آن را حذف کنیم تا به جایی برسیم که آقای دکتر آشنا گفتند در یک نظام تعادلی با حفظ آداب و سنن اسلامی و ملی مان برسیم.

یک استاد آمریکایی، استاد دانشگاه شیکاگو در کتاب سه جلدی خود درباره اسلام در جلد سوم کتاب، سه امپراطوری عثمانی، هندگورکان و ایران را معرفی می‌کند. عنوان می‌کند که در آن زمان ترک‌ها به دنبال اروپایی شدن هستند، عرب‌ها به دنبال به دست آوردن آزادی هستند و ایران به فکر جامعه آرمانی است، امیدوارم که جامعه آرمانی را در نسل آینده به دست آوریم.